

فصلنامه محیط راهبردی

سال پنجم، شماره ۱۵، تابستان ۱۴۰۰

مقاله پژوهشی، صفحه ۱۵۳ تا ۲۰۰

تبیین چالش‌ها و فرصت‌های ژئوپلیتیکی مسیرهای انتقال آب از تاجیکستان به استان خراسان

ریحانه صالح آبادی، سعید صادقلو^۲

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۳/۱۴

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۰۲

چکیده

شاید در ذهن ما ایرانی‌ها طرح‌ها و پروژه‌های زیادی وجود دارد که اگر چه نامشان هر چند وقت یکبار بر سر زبانها می‌افتد، اما همیشه در حد حرف باقی مانده است. یکی از این پروژه‌ها طرح تامین آب از خارج مرزهای ایران است. با توجه به اینکه ایران در کمربند خشک جهان واقع شده و سه چهارم مساحت آن خشک است و بارندگی سالانه اش به طور متوسط ۱۵۰ میلی‌متر برآورد می‌شود این موضوع گویای کم آب بودن کشور است. خشکسالی به خصوص در شرق کشور بسیار بارز است. یکی از راههای تامین آب جهت حل بحران کم آبی انتقال آب از کشور تاجیکستان مطرح شده است. با توجه به این موضوع ما ابتدا با روش توصیفی- تحلیلی درصدد بررسی چالشها و فرصتهای پیش روی ایران و کشورها و روابط سیاسی- فرهنگی آنها با یکدیگر در منطقه پرداختیم و دو مسیر عمده را در نظر گرفتیم. مسیر اول عبور از منطقه ی آسیای مرکزی (تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان). دومین مسیر تاجیکستان و افغانستان است. این مقاله بیان میکند با توجه به اختلافات کشورهای آسیای مرکزی پس از استقلال که عمده ترین تنش بر سر منابع آبی جهت کشاورزی است و اختلافات مهم تاجیکستان با دو کشور پایین دست رودها (ازبکستان و ترکمنستان) و اختلافات ژئوپلیتیکی و ژئواسترژیکی ایران و ازبکستان این مسیر با تنش‌ها و مشکلات بسیاری مواجه خواهد بود. از سوی دیگر مسیر دوم به علت عدم ثبات سیاسی اقتصادی کشور افغانستان و اختلافات هیدروپلیتیکی با ایران نیز مشکلات کم‌تر از مسیر اول را نخواهد داشت. اما میتوان این مطلب را بیان کرد که به مرور زمان و روی کار آمدن دولتهای قدرتمند در افغانستان و سرمایه گذاری‌های عمده ی ایران جهت بهبود اوضاع اقتصادی و اجتماعی این کشور و در نهایت وابسته کردن این کشور به خود میشود انتظار داشت این مسیر مقرون به صرفه تر و کم چالش تر نسبت به مسیر آسیای مرکزی باشد.

کلیدواژه‌ها: بررسی و تبیین چالشها و روابط، ایران، کشورهای آسیای مرکزی، افغانستان.

۱. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس. ایمیل: reyhane.salehabadi@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس.

۱. مقدمه

منابع آب شیرین تجدید شونده کره زمین از تبخیر شدید اقیانوس ها و دریاها تولید می شوند. بررسی ها نشان می دهد که این مقدار سالانه ۴۷ هزار کیلومتر مکعب می باشد. از این میزان حدود ۴۱ هزار کیلومتر مکعب بالقوه قابل بهره برداری می باشد. در حال حاضر بین ۳۸ تا ۴۶٪ از آب شیرین در دسترس برای مصارف بشری (شرب، صنعت و خدمات) استفاده می شود. مقدار آب شیرین در دسترس برای هر کشور در دراز مدت تقریباً ثابت است. به همین ترتیب دسترسی سرانه به آب شیرین در سال های ۱۹۹۸ و ۲۰۲۵ و ۲۰۵۰ به ترتیب ۶۹۱۸ و ۵۱۰۳ و ۴۳۸۰ متر مکعب در سال خواهد بود. همین طور منابع آب شیرین به گونه ای نامتوازن در فضا و زمان توزیع شده اند. در ارتباط با ایران نیز باید گفت که متوسط امکانات بالقوه آب ۱۲۰ تا ۱۳۰ میلیارد متر مکعب در سال برآورد شده است که معادل با ۷۱۴ متر مکعب برای هر هکتار در سال است؛ همچنین سهم هر فرد از جمعیت کنونی ایران حدود ۲۱۰۰ متر مکعب در سال است که در مقام مقایسه با میانگین جهانی ۷۶۰۰ متر مکعب، رقم پائینی را نشان می دهد. در عین حال پیش بینی می شود که در سال ۲۰۲۵ میلادی، میزان سرانه آب ایران به رقمی بین ۷۷۶ تا ۸۶۰ متر مکعب در سال کاهش می یابد (برقی، ۲۰۱۰: ۸). از حجم ۴۰۰ میلیاردی آب دریافتی از بارش در ایران ۲۷۴ میلیارد مترمکعب و بیش از ۶۸٪ آن تبخیر می شود. حجم آب رودهای مرزی و ورودی به کشور حدود ۱۰ میلیارد مترمکعب و حجم آب های خروجی ۶ میلیارد مترمکعب برآورد شده است. برای جبران کمبود آب کشورها رو به وارد کردن این عنصر ارزشمند از سرزمینهای پر آب آورده اند. در واقع این راهبرد انرژی بخشی از راهبرد توسعه و امنیت ملی کشورها محسو میشود. امروزه رشد اقتصادی و قدرت سیاسی کشورها با امنیت انرژی ارتباط تنگاتنگی پیدا کرده است. بنابراین دولتها در سراسر جهان همه ابزارهای خود، از دیپلماسی و اطلاعات تا اقتصاد و نیروی نظامی را در جهت تأمین امنیت انرژی به کار میگیرند. این درحالی است که توزیع نامتوازن منابع انرژی در عرصه جهانی و روند خالی شدن نامتوازن منابع در ژئواکونومیک انرژی،

برخی کشورها را در جایگاه صادرکنندگان و برخی دیگر را در جایگاه واردکنندگان مهم قرار داده است (زیبا کلام، ۱۳۹۲: ۷۶). در این بین انتقال حوضه به حوضه ای آب یکی از راهبردهای انرژی محور پیش روی کشورها است که این فاکتور عبارت است از انتقال فیزیکی آب از یک حوضه آبریز به حوضه دیگر است. این انتقال علی‌رغم رفع کمبودها می‌تواند منشأ تغییرات زیادی در حوضه های مبدأ و مقصد باشد. اگر چه قدمت انتقال آب به صدها سال پیش برمی‌گردد ولی ضرورت طرح این موضوع از ۲۰۰ سال پیش تاکنون بیشتر احساس شده است. اوج طراحی و اجرای پروژه‌های عظیم انتقال آب در کشورهای صنعتی و پیشرفته به دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۶۰ باز می‌گردد. انتقال آب از یک حوضه به حوضه دیگر در بعضی از کشورها از جمله در ایالات متحده آمریکا، شوروی سابق و چین یکی از راههای معمول افزایش منابع آب حوضه‌های خشک بوده است. تأمین آب شهری نیویورک از حوضه آبریز دلاور و شهر دنور از حوضه آبریز کلرادو نمونه‌های بارزی از این موضوع هستند. طرح انتقال آب آمودریا به شبکه آبیاری ترکمنستان در شوروی سابق، طرح‌های سه گانه انتقال آب از بخش‌های غربی، شرقی و جنوبی حوضه پکن به این حوضه با ظرفیت‌های بالای ۲۰ میلیارد متر مکعبی در چین، طرح انتقال آب از کشور لسوتو به آفریقای جنوبی و طرح انتقال آب رودخانه Tone به توکیو در ژاپن از جمله طرح‌های انتقال آب از مسافت‌های طولانی محسوب می‌شود. در ایران نیز به دلیل وجود کم آبی از گذشته‌های دور عملیات انتقال آب از مناطق پرآب به نواحی کم آب از طریق احداث بندها، کانالها و قنوات انجام می‌شده است. سابقه انتقال آب در ایران از یک حوضه به حوضه دیگر به عهد باستان و زمان داریوش هخامنشی برمی‌گردد اما با پیشرفت تکنولوژی، انتقال آب در مسافت‌های طولانی از دهه ۱۳۲۰ توسط تونل، کانالهای آبیاری و خطوط لوله مورد توجه بیشتر قرار گرفت (حلبیان، ۲۰۱۰: ۳). در عصر حاضر با توجه به خشکسالی‌هایی که در مناطق مختلف ایران از جمله خراسان رخ داده است مسولان در فکر تامین آب از طریق انتقال آن از کشورهای پرآبی از جمله تاجیکستان می‌باشند. این کشور از نظر دارا بودن منابع هیدروگرافی بعد از

روسیه در جایگاه سوم جهانی قرار دارد. علاوه بر این تاجیکستان کشوری فارسی زبان است که دارای اشتراکات فرهنگی بسیاری با ایران می‌باشد. یکی از مشکلات اساسی این کشورها نداشتن مرز مشترک با یکدیگر جهت انتقال انرژی است، طرح انتقال آب با توجه به بعد مسافت باید از دو مسیر صورت گیرد یک مسیر از کشور ازبکستان و ترکمنستان عبور می‌نماید و مسیر بعدی از طریق افغانستان است. با توجه به شرایط سیاسی - فرهنگی حاکم بر کشورهای و عدم وجود روابط مسالمت آمیز کشورهای خاورمیانه و آسیای مرکزی با یکدیگر هر یک از این مسیرها چالش‌ها و فرصت‌های را پیش روی مطالعات انتقال آب قرار می‌دهد که قبل از آنکه به زیرساخت‌های انتقال آب فکر کنیم نخست باید این چالش‌ها و فرصت‌ها بررسی گردند و مسیر مناسب انتخاب شود.

۲. مبانی نظری

۲-۱- منابع آب موجود در آسیای مرکزی و تاجیکستان

امروزه می‌بینیم که بیش از ۷۰٪ کره زمین از آب پوشیده شده است (نزدیک به ۳۶۰ میلیون از ۵۱۰ میلیون کیلومتر مربع سطح کره زمین) با این وجود تنها ۲٫۵٪ از آب‌های کره زمین شیرین و قابل شرب است. از همین ۲٫۵٪ نیز بیش از ۹۰٪ آن به صورت منجمد در دو قطب زمین و یا در اعماق زمین بوده که استخراج آن مشکل و دور از دسترس بشر قرار دارد (عیوضی، ۱۳۸۰: ۱۷). در این میان آسیای مرکزی منطقه‌ای با توپوگرافی کوهستانی و منابع آبی بی‌شماری است در واقع می‌توان بیان نمود، آسیای مرکزی منطقه‌ای در میان قاره اوراسیا است که از شرق به دریای خزر، از غرب به چین، از شمال به روسیه و از جنوب به هند می‌رسد و گاهی اوقات بعنوان آسیای میانه نیز شناخته می‌شود. این منطقه دارای وسعتی بالغ بر 24077000 km^2 و بیش از ۵۵ میلیون نفر جمعیت است این منطقه محصور در خشکی است و بطور کلی توپوگرافی آن شبیه کاسه‌ای متشکل از دشتهای و رشته کوههای پامیر است. درجه حرارت و تبخیر و تعرق این

منطقه بسیار بالاست و میزان بارش محدود و نامتوازن است بطوریکه در نواحی کوهستانی ۸۰۰-۶۰۰ میلی متر و در نواحی بیابانی ۱۵۰-۸۰ میلی متر گزارش شده است. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ۵ کشور مستقل ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان پس از سال ۱۹۹۱ ظهور کردند، که کشورهای تازه تاسیس این منطقه دارای ثروت بسیاری در زمینه نفت، گاز، زغال سنگ و فلزات هستند (ushkumbayev, 2013: 1). در این منطقه منابع بصورت بسیار نابرابر توزیع شده است ۹۰٪ کوهستانها در قرقیزستان و تاجیکستان متمرکز شده است (Zainiddin, 2005: 14). این دو کشور دارای بیش از ۸۱٪ منابع آب شیرین هستند. در مقابل جمهوریهای ترکمنستان، قزاقستان، ازبکستان دارای منابع غنی نفت و گاز هستند، بطوریکه ترکمنستان و ازبکستان به ترتیب ۴۴٪ و ۲۳٪ از ذخایر گاز را دارا هستند. دو رودخانه اصلی این منطقه سیردریا و آمودریا است که پس از عبور از تعدادی کشور به دریای آرال می‌ریزند (Shalpykova, 2002: 1). در میان کشورهای آسیای مرکزی، تاجیکستان به عنوان کشوری با منابع آبی فراوان شناخته می‌شود که ویژگی‌های هیدرولوژی آن به شرح زیر می‌باشد: ۷۶٪ از جریان رودخانه آمودریا در تاجیکستان قرار دارد. رودخانه پنج بزرگترین سرشاخه رودخانه آمودریا محسوب می‌شود که از محدوده ی کوهستانی پامیر سرچشمه گرفته و مرز میان افغانستان و تاجیکستان را از شرق به غرب تشکیل می‌دهد. رودخانه bartong اولین شاخه بزرگ این رود است که قبل از تلاقی با رودخانه وخش در تاجیکستان جریان دارد و جریان سالانه آن به طور متوسط ۳۳/۴ km در دوران اتحاد جماهیر شوروی براساس توافقنامه ای در سال ۱۹۴۶، تحت عنوان استفاده ی افغانستان از رودخانه ی آمودریا منعقد گردید. رودخانه وخش با جریان شمال شرقی - جنوب غربی در تاجیکستان جریان دارد که منشا اصلی این رودخانه در قرقیزستان می‌باشد، این رود در قرقیزستان به نام قزل سو است، پس از ورود به تاجیکستان وخش نامیده می‌شود. رودخانه سرخان دریا نیز سرچشمه‌اش تاجیکستان است که پس از آن وارد ازبکستان شده و مرز میان افغانستان و ازبکستان را تشکیل می‌-

دهد. رودخانه زرافشان نیز سرچشمه‌اش کوه‌های تاجیکستان میباشد و حدود $33/09$ k از جریان کل تاجیکستان را تشکیل می‌دهد، این رودخانه پس از وارد شدن به ازبکستان مرز میان ازبکستان و ترکمنستان را تشکیل داده و در نهایت به آمودریا می‌ریزد. با این حال این رودخانه در ازبکستان بسیار حیاتی است و برای آبیاری زمین‌های کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد. مجموع آب تولید شده در آمودریا $59/45\%$ است. در تاجیکستان منابع آب سطحی داخلی تجدید پذیر در حدود $60/46\%$ بر آورد شده است. منابع آبی تجدید پذیر تاجیکستان به شرح زیر است:

جدول ۱. آبهای سطحی تاجیکستان

درصد	بیرونی		درونی		آبهای درونی	قسمتی از رودخانه که در کشورجریان دارد	رودخانه های اصلی	
	جهت جریان	کل	جهت جریان	کل				
	از	کیلومتر* سال	از	کیلومتر* سال	کیلومتر* سال	%		
۱۷,۶۴	ازبکستان، ترکمنستان	۶۸,۳۸	قرقیزستان	۱,۵۱	۱,۹۳	۴۵,۵۹	۸۸	آمودریا (شامل سرخان دریا و زرافشان)
۱,۲۷	ازبکستان	۱۱,۵۲	ازبکستان	۱۱,۸۰	۳۲,۲۶	۱,۱	۱۱,۰۰	سیردریا
-	چین	-		-	-	-	۱	آبهای شمالی
۱۸,۹۱		۵۴,۸۶		۱۳,۳۱	۳۴,۱۹	۶۰,۴۶	۱۰۰	کل

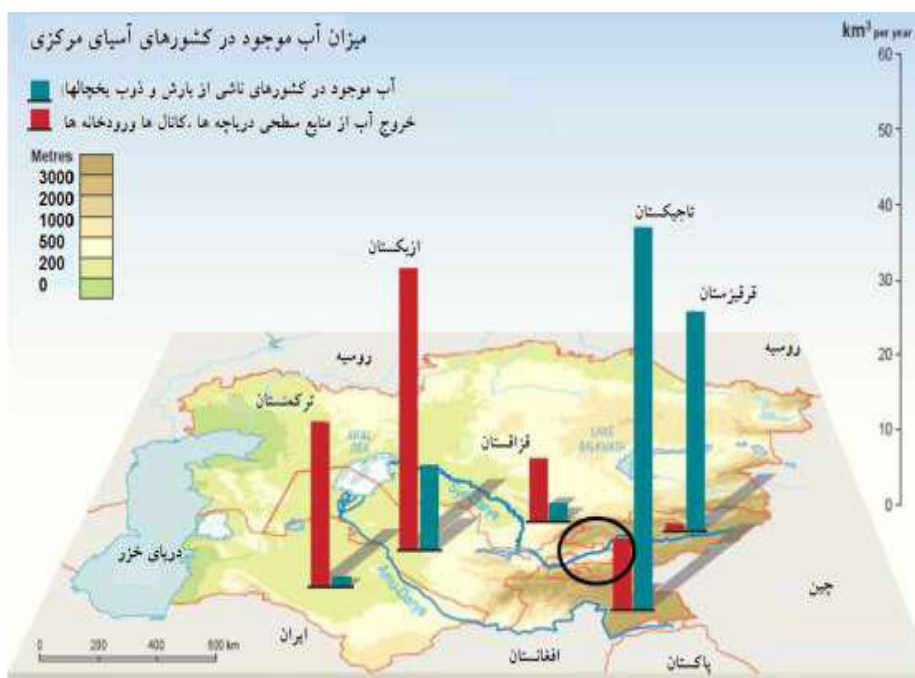
Source: <http://www.fao.org>

جدول ۲. منابع آبی تجدید پذیر تاجیکستان

واحداندازه	میزان	سال	
Mm3/yr	۶۹۱	-	بارندگی به طور میانگین
Million mm3/ yr	۹۸۵۰	-	آبهای داخلی تجدید پذیر
Million mm3/ yr	۲۱۹۱۰	-	حجم واقعی آبهای تجدید پذیر داخلی
%	۱۷/۳	-	نسبت تخمینی
Mm3/yr	۳۱۴۰	۲۰۱۱	تخمین کل واقعی آبهای تجدید پذیر
Million mm3/ yr	۲۹۵۰۰	۲۰۱۰	گنجایش کل سدها

Source: <http://www.fao.org>

نقشه ۱: میزان آب موجود در کشورهای آسیای مرکزی



source:cwc 2000

۲-۲- بحران آب در ایران

هومر دیکسون معتقد است که جنگ‌های آینده و خشونت‌های مدنی و اجتماعی عمدتاً از کمبود منابع آب، غذا، جنگل و شیلات ناشی خواهد شد (مهکویی، ۱۳۹۳: ۱۳۴). منابع آب به طور یکسان در سطح کره زمین توزیع نشده است؛ به طوری که بسیاری از مناطق مانند آمریکای شمالی و اروپا دارای منابع آب فراوانی می‌باشند، اما مناطقی مانند خاورمیانه با کم‌آبی مواجه می‌باشند. امروزه آب به شکل آشکاری وارد عرصه سیاست بین‌المللی شده است. افزایش تقاضا برای آب در قرن بیست و یکم، فشار بیشتری روی منابع آبی وارد می‌کند و سیاستمداران و دولت‌ها مجبور می‌شوند تا مسائل مربوط به آب را در رأس برنامه‌های خود قرار دهند. با افزایش تقاضا برای منابع آب و آلوده شدن آبهای سطحی و زیرزمینی در بسیاری از مناطق جهان، آب تبدیل به عاملی برجسته در روابط سیاسی بین‌کشورها شده است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۳۳). ایران با توجه به ریزشهای

کم جوی، و نامناسب بودن پراکنش زمانی و مکانی بارندگی ها در زمره ی کشورهای خشک و نیمه خشک جهان محسوب می شود (کردوانی، ۱۳۸۱: ۱۵۱). سه چهارم مساحت ایران خشک است و بارندگی سالانه به طور متوسط ۲۵۰ میلیمتر (۴۱۳ میلیارد مترمکعب) و ۱۳۰ میلیارد مترمکعب منابع آب تجدید شونده برخوردار است. سرانه مصرفی آب ایران در سال ۱۳۸۵، ۱۷۵ مترمکعب بوده که پیش بینی میشود این مقدار به ۱۳۰۰ مترمکعب در سال ۱۴۰۰ برسد (مسیبی، ۱۳۷۸: ۷۳). البته این موضوع تنها مشکل کشور ما نیست و در سالهای اخیر با گرمایش جهانی معضل کم آبی در همه دنیا تشدید شده است، این در حالی است که با توجه به رشد جمعیت و نیاز شدید به آب از هم اکنون باید به فکر تأمین آن برای نسلهای آینده باشیم، چراکه در آینده نه چندان دور تأمین آب، اصلی ترین محور چالش های جهانی خواهد بود؛ اگر به آمارهای بارندگی و وضعیت آبهای زیرزمینی و سطحی نگاه کنیم، می بینیم که بیش از ۱۰ سال است در برخی از استانهای مرکزی کشور خشکسالی داریم و بارندگیها کم شده، روانابها و آبهای سطحی به کلی خشک شده و منابع آب زیرزمینی به شدت افت کرده است. این کم آبی به حدی جدی است که در این مناطق در عمق ۴۰۰ متری باید به دنبال آب باشیم و در نهایت آبی تلخ و شور که حتی برای کشاورزی هم مناسب نیست را بیابیم. در میان استانهایی که کمبود شدید آب را تجربه می کنند استان خراسان قرار دارد، استان خراسان در شرق و شمال شرق ایران، در طول جغرافیایی ۵۵ درجه و ۱۸ دقیقه تا ۶۱ درجه و ۳۰ دقیقه و در عرض جغرافیایی ۳۰ درجه و ۱۳ دقیقه تا ۳۸ درجه ۸ دقیقه واقع شده است. از شمال و شمال شرق، به مرز ترکمنستان و از شرق و جنوب شرق به استانهای گلستان و سمنان، از جنوب غرب و جنوب به استان یزد محدود می شود (ولایتی، ۱۳۸۵: ۲۱۶). آب و هوای استان خراسان بسیار متنوع و متفاوت است و تحت تاثیر چندین جبهه آب و هوایی قرار دارد که از غرب، شمال شرق و جنوب شرق وارد آن می شود. اختلاف دمای بین مناطق مختلف استان ۳۲/۵ درجه سانتی گراد است. حداکثر بارندگی در ایستگاه زشک حدود ۳۵۲ میلیمتر و حداقل آن در ایستگاه بشرویه، در حاشیه کویر لوت واقع ۹۵ میلیمتر

گزارش شده است. متوسط بارندگی در کل استان خراسان رقم ۲۰۵ میلی‌متر را نشان می‌دهد. حجم آب تولید شده از نزولات جو، حدود ۴۸/۵ میلیارد متر مکعب است. حدود ۳۶/۶ میلیارد متر مکعب آن تبخیر شده است. افزایش روزافزون جمعیت شهری، مهاجرت بی شمار مردم سایر نقاط، نوع تقاضا و مصرف شهروندان، موقعیت جغرافیایی، مشکلات این استان را حادتر کرده است (بوستانی، ۱۳۹۰: ۴۱). استان خراسان رضوی شامل ۴ حوضه آبریز اصلی است که عبارتند از: اترک، قره قوم، کویر مرکزی، و نمکزار خواف. حوضه آبریز قره قوم با کشورهای افغانستان و ترکمنستان هم‌جوار است. همچنین حوضه آبریز نمکزار خواف با کشور افغانستان هم‌جوار است. سایر حوضه‌ها با استانهای داخلی ایران همسایه هستند. دشتهای خراسان رضوی با متوسط کسری مخزن ۱۲۸۵/۶۴ میلیون متر مکعب در سال بیشترین کسری مخزن را در بین استان‌های کشور دارا می‌باشد.

جدول ۳. وضعیت کلی منابع آب استان

تعداد حوضه های آبریز اصلی	۳ حوضه
میانگین نزولات جوی	۲۲۷ میلی‌متر
متوسط حجم نزولات جوی سالانه	۲۶۵۷۲ میلیون متر مکعب
میزان تبخیر و تعرق سالانه	۱۸۷۳۳ میلیون متر مکعب
میزان پتانسیل منابع آب تجدید شونده	۸۳۳۹ میلیون متر مکعب
سهم آبهای زیرزمینی از منابع تجدید شونده	۶۰۰۰ میلیون متر مکعب
سهم آبهای سطحی از منابع تجدید شونده	۲۳۳۹ میلیون متر مکعب
تعداد رودخانه های مهم	۴۲ رودخانه
تعداد رودخانه های مرزی	۱۰ رودخانه
حجم آب خروجی از رودخانه های	۲۶ میلیون متر مکعب

	به استانهای همجوار
۱۲۷ میلیون مترمکعب	حجم آب خروجی از مرزهای بین المللی
۴۰ میلیون مترمکعب	حجم آب ورودی به کویر های استان
۳۶ دشت	تعداد کل دشتهای
۳ دشت	تعداد دشت های آزاد
۷۰۶۰ میلیون مترمکعب	میزان برداشت از منابع آب زیرزمینی

۳-۲- طرح های انتقال آب

توسعه و رشد جمعیت در اکثر کشورهای خاورمیانه از جمله در ایران سبب شده تا کشور به فکر راه های بهینه به منظور غلبه بر چالش کم آبی شود. چنانکه در بند ج ماده ۱۴۰ قانون برنامه پنجم توسعه تحت عنوان واردات و صادرات آب با کشورهای منطقه این موضوع دیده شده است (پاپلی یزدی، ۱۳۹۰: ۹۰). ۳ طرح برای انتقال آب از خارج به شرق کشور پیشنهاد شده است که اجرای هر یک از آنها مزیت های خاص خود را دارد. در طرح اول با تامین آب در منطقه ای به نام رودخانه پنج در مرز تاجیکستان و افغانستان و انتقال آب از طریق افغانستان، می توان با ایجاد خط انتقال به طول ۹۰۰ کیلومتر تا تایباد، یک میلیارد مترمکعب آب به کشور انتقال داد. طرح دوم را انتقال آب با احداث سد روی رودخانه مرغاب در افغانستان عنوان کرد که قابلیت انتقال سالانه ۶۰۰ میلیون مترمکعب آب به کشور را دارد. سومین گزینه را تامین و انتقال آب از طریق ترکمنستان و کانال قره قوم است. در تمام طرح ها نقطه دریافت آب در کشور تایباد در نظر گرفته شده است که با ۵۰۰ کیلومتر لوله گذاری تا تایباد می توان تا یک میلیارد متر مکعب آب آمودریا را از طریق کانال قره قوم به کشور منتقل کرد ولی اگر ایستگاه پمپاژی روی کانال قره قوم طراحی کنیم، مسیر کانال در قسمتی از مرز تا سرخس حدود ۶۰ کیلومتر است که به نظر می رسد این مسیر اقتصادی تر باشد که البته

هدف از اجرای طرح، رساندن آب به مناطق شرقی کشور است (www.econews.ir) در نهایت انتقال آب از تاجیکستان به ایران یکی از راه‌هایی بوده که از سوی مقام‌های دولتی ایران مطرح شده است. با این حال، اجرای چنین طرحی چالش‌های خاص خود را نیز به دنبال دارد. مسیرهایی که برای انتقال آب تاجیکستان می‌توان در نظر گرفت بدین صورت است: اولین مسیر پیشنهادی عبور خط لوله از مسط ازبکستان و ترکمنستان است و دومین مسیر عبور از کشور افغانستان می‌باشد که هر یک از این مسیرها با توجه به روابط کشورهای منطقه دارای نقاط قوت و ضعفی می‌باشد که جهت عملکرد بهتر باید به بررسی روابط کشورها و اوضاع کنونی آنها پرداخت تا بتوان تصمیمی دست گرفت (www.shafaqna.com). پیشنهاد احداث خط لوله انتقال آب از دریاچه «سارز» تاجیکستان به استان خراسان مطرح شده است. دریاچه ۶۰۰ کیلومتری «سارز» در نتیجه وقوع زمین لرزه در شرق تاجیکستان در سال ۱۹۱۱ میلادی تشکیل شده است. طرح مشابهی نیز از سوی وزارت انرژی تاجیکستان مطرح شده بود مبنی بر آن که در جنوب دریاچه سارز نیروگاهی برق آبی ایجاد خواهد شد و در نتیجه آن می‌توان آب را به ایران انتقال داد. ده سال پیش مقام‌های ایرانی در ازای سرمایه‌گذاری ۲ میلیارد دلاری در پروژه انتقال آب از آن کشور به تاجیکستان چنین پیشنهادی را ارائه دادند. با وجود آن که این پیشنهاد به مرحله اجرایی نرسیده است ایران و تاجیکستان توافقی را در حوزه نقل و انتقال آب با یکدیگر در سال ۲۰۰۷ میلادی به امضا رساندند. براساس این توافق انتقال یک میلیارد متر مکعب آب آشامیدنی در روز از تاجیکستان به ایران انجام خواهد شد و در مقابل ایران به صادرات نفت و گاز به تاجیکستان می‌پردازد. این پیشنهاد برای کشوری چون تاجیکستان که با فقدان منابع انرژی مواجه است خوب بوده است. نخستین چالش پیش روی دو کشور عدم تکمیل خط راه آهن می‌باشد. پیش از این برنامه ریزی‌هایی برای ادغام خطوط راه آهن ایران به افغانستان با تاجیکستان مطرح شده بود. اگرچه بخش‌هایی از این پروژه در حال انجام است با این حال انتظار نمی‌رود که در آینده نزدیک تکمیل شود. مانع دیگری در اجرای چنین طرحی فقدان زیرساخت‌های لازم برای

صادرات آب از تاجیکستان به ایران است. هم چنین کمبود آب در برخی از مناطق تاجیکستان می تواند اعتراض همسایگان جنوبی آن کشور را به دنبال داشته باشد چرا که یک سوم از ذخائر آب آسیای مرکزی از طریق رشته کوه های تاجیکستان تامین می شود و تاجیک ها خود نیز علیرغم دارا بودن منابع عظیم آبی به دلیل ازدیاد جمعیت هنوز با مشکل کم آبی مواجه هستند. از سوی دیگر، همسایگان جنوبی تاجیکستان درباره احتمال احداث سد در آن کشور نگران هستند. در این باره راهی که بتوان آب را انتقال داد وجود ندارد و تنها با لوله کشی می توان این آب را منتقل کرد که همه مستلزم سرمایه گذاری کلان است. کوتاه ترین فاصله منابع آبی آسیای مرکزی تا مرزهای ایران از رود پنج حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ کیلومتر است که در شمال افغانستان جاری است. بنابراین مسیر انتقال آب از خاک افغانستان عبور خواهد کرد و افغانستان هم حق برداشت از این آب را داراست و البته به لحاظ حقوقی هم این حق را دارد. مقداری از این آب سهم خود تاجیکستان است که البته هر دو قادر به برداشت از رودخانه هستند. البته افغانستان به دلیل وجود اختلاف سطح، قادر به بهره برداری زیادی نخواهد بود که با اختصاص سرمایه می توان این مشکل را نیز حل کرد.

۳- روش تحقیق

روش در تحقیق علمی راه دستیابی به شناخت صحیح و کشف مجهولات است. روشهای تحقیق در علوم اجتماعی روشهای انطباق آگاهی با شناخت منطقی است. با توجه به اهمیت مطالب و به روز بودن آنها و ملاحظات مرتبط با متغیرها و گزاره های دخیل در روند تحقیق و ابعاد گسترده مسائل امنیتی- سیاسی میان کشورهای مورد مطالعه از چهارچوب روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. پرسش اصلی این پژوهش، این است که مهم ترین چالشها و فرصتهای پیش روی ایران جهت وارد کردن منابع آبی از تاجیکستان از طریق کشورهای همسایه کدامند؟ و در نهایت مسیر مناسب که دارای کمترین چالش می باشد از کدام کشور عبور خواهد کرد؟ فرضیه اصلی بر این پایه استوار

گردیده است که «مؤلفه‌هایی چون: قاچاق مواد مخدر، پناهندگان افغانی، تروریسم، رشد جمعیت، افزایش سطح توسعه یافتگی کشورها، حضور نیروهای فرا منطقه‌ای در افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی، اختلافات ارضی و مرزی کشورها با همسایگان، عدم وجود توافقنامه‌های رسمی بین کشورها در زمینه منابع آبی، سنگ اندازی‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و ...» عواملی هستند که در حیطه روابط ایران و کشورهای مورد نظر، قرار دارد که پس از بررسی آنها می‌توان مناسبترین مسیر برای انتقال آب از تاجیکستان به ایران را مورد بررسی قرار داد.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

۴-۱- سناریوهای انتقال آب از مسیر تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان

نخستین مسیری که می‌توان برای انتقال آب از تاجیکستان به خراسان در نظر گرفت، مسیری است که از کشورهای آسیای مرکزی عبور می‌کند و دو کشور ازبکستان و ترکمنستان را در بر خواهد گرفت. باتوجه به نوپا بودن رژیم‌های حکومتی این منطقه اختلافات بسیاری بین کشورها در زمینه‌های انرژی و منابع آبی وجود دارد و مهم‌تر آنکه هیچگونه توافقنامه‌ای برای حل و فصل این معضلات در نظر گرفته نشده است. بنابراین شایسته است که نخست روابط این کشورها را بایکدیگر مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

۴-۱-۱- فرصت‌ها و چالش‌های روابط ایران و تاجیکستان

تاجیکستان از نظر منابع آب و اورانیوم بسیار غنی است و از نظر منابع آب در بین کشورهای هم‌ردیف خود در رده دوم بعد از روسیه قرار گرفته است. اصول و محورهای اساسی سیاست خارجی تاجیکستان در اعلامیه استقلال و قانون اساسی این کشور منعکس شده است. اصول اساسی سیاست خارجی، سیاست درهای باز، واقع بینی، توازن، عمل‌گرایی و تأمین امنیت ملی و هدف‌های کلی آن، حفظ منافع ملی و دولتی تاجیکستان است. هدفهای اصلی در سیاست خارجی تاجیکستان، تأمین و تحکیم جایگاه

شایسته دوشنبه در جامعه بین المللی، به وجود آوردن اقتصاد بازاری ثمربخش و از این راه حل و فصل مسایل اجتماعی، ایجاد نهادهای دموکراتیک و جامعه مدنی، تأمین امنیت ملی و تقویت روندهای همگرایی در منطقه بوده‌اند. در واقع تاجیکستان در مسیر تقویت همکاری متقابل سودمند چند بعدی در جهت گسترش همکاری با کشورهای مختلف شرق و غرب و جهان اسلام گام بر می‌دارد. ایران و تاجیکستان در زمینه اقتصادی با هم همکاری‌های بسیاری دارند که بخش بیشتری این همکاریها در زمینه انرژی است. در حال حاضر حدود ۱۵۰ شرکت با سرمایه ایران در مناطق مختلف تاجیکستان در حال فعالیت هستند. بر اساس آمارهای رسمی در سال ۲۰۱۰ میزان مبادلات تجاری دو کشور ۲۵ درصد افزایش داشته است. به شکلی که وزارت توسعه اقتصاد و تجارت تاجیکستان اعلام کرد که یک گروه از شرکتهای ایرانی با ساخت شهرک صنعتی در این کشور موافقت کرده‌اند که ساخت حدود ۵۰ شرکت صنعتی از جمله آلومینیوم و پنبه در منطقه رودکی در نزدیکی شهر دوشنبه پایتخت تاجیکستان را شامل می‌شود. تاکنون کمیسیون مشترک اقتصادی که مسئولیت طرف ایرانی آن با وزارت نیروی جمهوری اسلامی ایران است بین ایران و تاجیکستان تشکیل شده است توافقنامه‌هایی در زمینه همکاری بین قرارگاه خاتم الاوصیا و وزارت انرژی تاجیکستان، برنامه اجرایی وزارت بهداشت و توافقنامه همکاری شرکت سایبر و وزارت نقلیات تاجیکستان به امضا رسیده است (بدوحی، بی تا: ۱۰۴). همچنین ایران و تاجیکستان قرارداد ساخت نیروگاه آبی برق سنگ توده را به ارزش ۲۲۰ میلیون دلار در دی ماه ۱۳۸۴ امضا کردند که ۱۸۰ میلیون دلار آن از طرف ایران به صورت اعتبار ده ساله در اختیار تاجیکستان قرار می‌گیرد. تاجیکستان با این پروژه میتواند علاوه بر تأمین برق مورد نیاز خود سالانه میزان زیادی برق نیز به کشورهای دیگر صادر کند (احدی، ۱۳۸۵: ۳). دو کشور در زمینه های حمل و نقل، صدور خدمات فنی و مهندسی و اجرای طرحهای مشترک ساخت کارخانه روغنکشی با سرمایه گذاری در تاجیکستان همکاری نزدیکی دارند ازبکستان یکی از مشکلات در تحقق ظرفیت های اقتصادی، در روابط میان کشورهای همسایه با ایران است. چندین سال

است که تجار ایرانی برای حمل‌ونقل کالاهای خود به تاجیکستان از جاده و راه‌آهن ازبکستان با مشکل مواجه هستند. درسالهای گذشته، چند شرکت ایرانی برای انتقال کفش‌های کارگری به تاجیکستان با مانع مواجه شدند. ازبکستان در تازه‌ترین اقدام، از ترخیص برخی کالاهای ایرانی برای حضور در هفتمین نمایشگاه بین‌المللی ۲۰۱۳ تاجیکستان خودداری کرد. ایران در نمایشگاه‌های سالیانه تاجیکستان نقش اساسی دارد. بخشی از کالاهایی که برای شرکت در نمایشگاه به تاجیکستان فرستاده می‌شدند، در مرز ازبکستان متوقف شدند و این امر باعث شد نمایشگاه یک روز دیرتر آغاز به کار کند. اموال سه شرکت ایرانی نیز توقیف و پس از چهار روز رفع توقیف شد. مطابق با مقررات حمل‌ونقل کالاهایی که از طریق کشوری به کشور ثالث انتقال می‌یابند، به جز اموال نظامی نباید با جدیت بازرسی شوند؛ اما مأموران گمرک ازبکستان به بهانه سلاح‌های نظامی مجوز انتقال کالا به تاجیکستان را ندادند، درحالی‌که محموله ملزومات طرح‌های اقتصادی ایران در تاجیکستان است. مأموران گمرک ازبکستان از توقیف محموله‌های ترانزیت به‌عنوان یک منبع درآمد استفاده می‌کنند که بیانگر ضعف کارکنان گمرک و نهادهای حفاظتی در قلمرو این کشور است. تجار ایرانی با تکمیل صحیح اظهارنامه‌های گمرکی می‌توانند مانع این امر شوند. ازبکستان از شرکای مهم اقتصادی ایران است و سفیر ایران در تاجیکستان این موضوع را برخورد غیراصولی و قابل پیگیری دیپلماتیک دانسته است. این موانع که نقش نمایشگاه‌ها را در شناخت ظرفیت‌های اقتصادی کم‌رنگ می‌کنند، از سردی روابط سیاسی تاشکند با دوشنبه ناشی می‌شوند. علاوه بر بازرسی سخت مقامات رسمی ازبکستان، مسیر حمل‌ونقل محموله‌های ترکیه و روسیه به تاجیکستان را بارها مسدود کرده‌اند. تاجیکستان برای توسعه اقتصاد خود باید روابط با ازبکستان را بهبود بخشد. مالیات زیادی که دولت تاجیکستان بر کالاهای وارداتی از ایران وضع کرده و نیز نبود زمینه رفت‌وآمد قطار میان ایران و تاجیکستان از مشکلات همکاری اقتصادی است. شرکت راه‌آهن تاجیکستان واگن‌های مناسب برای حمل‌ونقل را در اختیار تجار ایرانی نمی‌گذارد. از جمله مهمترین راهکارهایی که ایران در روابط اقتصادی و تجاری خود با

تاجیکستان باید در نظر بگیرد را می‌توان اینگونه خلاصه نمود:
تلاش برای ایجاد الگویی از همکاری اقتصادی دوجانبه برای گسترش همکاریهای اقتصادی منطقه ای

تلاش جهت اجرای طرح اتصال راه آهن ایران به چین از مسیر افغانستان و تاجیکستان کاهش خطر تجاری صادرات کالاهای ایرانی به کشورهای آسیای مرکزی به ویژه تاجیکستان و افزایش حجم حمل و نقل مشارکت در استخراج نفت و سایر موادمعدنی تاجیکستان، سرمایه گذاری در تاجیکستان و فرستادن کارشناسان فنی ایرانی به این کشور، پیگیری و اجرایی کردن طرحها و موافقتنامه‌هایی که به امضای دو طرف رسیده است (زیباکلام، ۱۳۹۲: ۹۲).

۲-۱-۴ فرصت‌ها و چالش‌های روابط ایران و ازبکستان

روابط کشورهای ایران و ازبکستان از سال ۱۹۹۱ امکانپذیر شد. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جمهوری ازبکستان اعلام استقلال نمود و روابط سیاسی مستقل با کشورهای مختلف را آغاز کرد. تا پیش از آن روابط ایران و دیگر کشورها با این منطقه از جهان فقط از طریق دولت مرکزی در مسکو امکانپذیر بود و عملاً به جز ارتباط بسیار جزئی فرهنگی، روابط دیگری بین کشور ایران و جمهوری ازبکستان وجود نداشت. در همان زمان روابط ایران با اتحاد جماهیر شوروی روابط سردی بود و ایران جزء بلوک غرب محسوب می‌شد و از اقماریات ایالات متحده آمریکا و مجری سیاست‌های آن‌ها بود. از سال ۱۹۷۹ که انقلاب اسلامی در ایران صورت گرفت، ایران با توجه به ارزش‌های انقلاب و پیامدهای سیاسی آن از بلوک غرب و آمریکا جدا شد و سیاست و روشی مستقل را در پیش گرفت که در نتیجه آن روابط سرد گذشته با اتحاد جماهیر شوروی روبه گرمی گذاشت. ایران اولین کشوری بود که این جمهوری را به رسمیت شناخت و روابط سیاسی با آن را آغاز کرد. گفتارها و کردارهای مسوولان دو کشور در آن زمان نوید آغاز یک روابط گرم و صمیمانه بین دو کشور را می‌داد، اما در عمل چنین نشد. در

زمینه اقتصادی ایران در رده نهم شرکای تجاری ازبکستان قرار دارد، در زمینه روابط سیاسی گرچه دو کشور همکاری‌های پراکنده‌ای دارند، اما آثاری از یک روابط زنده و گرم و پرجاذبه را نمی‌توانیم ببینیم. در زمینه اجتماعی، می‌توان گفت کمترین آشنایی بین مردم دو کشور در این مدت زمان به وجود آمده است و اطلاعات این دو کشور واقع در یک منطقه از جهان از دورترین کشورهای جهان هم کمتر است، در زمینه توریسم روابط دو کشور بسیار ضعیف و در حد ابتدایی است و با وجود جاذبه‌های توریستی فراوان در دو کشور مثل سواحل دریای خزر و اصفهان، کیش، حرم مطهر امام رضا(ع) در ایران و سمرقند و بخارا و ... در ازبکستان کمترین تعداد توریست بین این دو کشور رد و بدل می‌شود. در زمینه‌های فرهنگی و ورزشی گرچه ارتباطات بسیار جزیی وجود دارد، ولی هیچ‌گونه همکاری سازمان‌دهی شده در این زمینه وجود ندارد و در بین کشورهای منطقه کمترین تبادل دانشجو بین این دو کشور بوده است و به دلیل عدم وجود موافقتنامه مبادله شده فرهنگی در زمینه تبادل دانشجو تقریباً هیچ اقدامی در این خصوص صورت نمی‌گیرد اما علل این سردی روابط و یا به عبارت دیگر ضعف روابط در چیست؟

بعد از فروپاشی شوروی در ۱۹۹۱ و تشکیل جمهوری‌های جدید، بحران‌های سیاسی اقتصادی شدیدی این جمهوری‌ها را در بر گرفت و همه آن‌ها برای نجات خود از بحران‌های اقتصادی جذب کشورهای غربی مختلفی شدند. غربی‌ها هم با دو هدف به این منطقه آمدند؛ آن‌ها از یک سو تلاش می‌کردند با حضور در حیاط خلوت کشور نوپای روسیه و قطع وابستگی‌های جمهوری‌های تازه استقلال به روسیه هرچه بیشتر ارتباط آن‌ها را با روسیه قطع و به خود وصل کنند و بدین ترتیب روسیه را هرچه بیشتر تضعیف نمایند و از طرفی از منابع معدنی و انرژی فراوان این منطقه بهره‌مند گردند. این قدرت‌ها و در راس آن‌ها آمریکا با حضور خود این کشورها را از ارتباط با ایران باز داشته و یکی از شرط‌های همکاری و حمایت خود را عدم ارتباط این کشورها با ایران برشمردند و بدین وسیله سعی نمودند انزوای بین‌المللی ایران را مضاعف نمایند و اجازه ندهند

پای ایران به این منطقه بیش از پیش باز شود.

تبلیغات گسترده غرب در مورد حمایت دولت ایران از جریان‌های تروریستی و ترس این کشورها که همه در معرض خطر بنیادگرایی اسلامی خود را حس می‌کنند، سبب عدم گرمی روابط گردیده است.

برخی سیاسیون و دولت‌مردان ایرانی به دلیل بسته بودن راه‌های تعامل با این منطقه از جهان در دوره شوروی سابق، همیشه تمایل به سمت غرب، داشته‌اند. بیشتر اطلاعات، تجربیات، تحصیلات و ارتباطات آن‌ها با غرب بوده است، به همین جهت است که یک جریان ناپیدای موثر سیاسیون ایران را به سمت غرب و در نتیجه غفلت از ارتباط با آسیای مرکزی و از جمله ازبکستان کشانده است.

ضعف مسوولان سیاسی، اقتصادی، تجاری و فرهنگی دو کشور در ایجاد یک رابطه قوی و همه‌جانبه.

عدم توان ایران برای سرمایه‌گذاری و حل مسایل و مشکلات کشور ازبکستان درگیر بودن همیشگی دستگاه دیپلماسی کشور با موضوعات گوناگونی که در عرصه جهانی برای کشور ایران ایجاد می‌شود و عدم فراغت آنان در ارتباط با کشورهای دیگر و از جمله کشورهای آسیای مرکزی و مخصوصاً ازبکستان.

زمینه‌هایی که سبب ایجاد پیوند قوی میان این دو کشور می‌گردد عبارتند از:

وابستگی‌های فرهنگی، قومی، مذهبی و تجاری در طول تاریخ: مطالعه در تاریخ به خوبی نشان می‌دهد که این کشورها با وجود پشت سرگذاشتن یک دوران پر از جنگ و نزاع و خونریزی همیشه ارتباطات خود را حفظ کرده‌اند و در طول تاریخ تحت تاثیر و تاثر یکدیگر بوده‌اند.

محصور بودن ازبکستان در بین خشکی‌ها و عدم دسترسی به آب‌های گرم برای تجارت با دنیا و در مقابل دسترسی گسترده ایران به آب‌های گرم و وجود راه‌های مطمئن و مناسب برای اتصال این کشور به دنیا.

وجود مشکلات مشترک منطقه‌ای مانند قاچاق مواد مخدر، تروریسم و قاچاق اسلحه.

هم مرز بودن دو کشور با کشور افغانستان و وجود دیدگاه‌های مشترک در مورد مسایل موجود در این کشور.

هم نظر بودن دو کشور در مورد یافتن راه حل‌های منطقه‌ای برای مسایل و مشکلات امنیتی و عدم لزوم حضور نیروهای خارجی برای حل این گونه مسایل در منطقه.

حضور دو کشور در یک منطقه از جهان که لزوم ارتباطات منطقه‌ای را دوچندان می‌کند مخصوصاً حضور ایران در کنار خلیج فارس و حضور ازبکستان در قلب آسیای مرکزی.

زمینه‌های مساعد تبادلات تجاری و اقتصادی بین دو کشور، برای مثال دولت ازبکستان که در صدد خودکفایی در زمینه نفت و گاز است به خوبی مشتاق است که از توان ایران برای این خودکفایی بهره‌مند شود و یا مکانیزه کردن سیستم‌های اداری و کارخانجات که ایران در این زمینه پیشرفته می‌باشد و در مقابل ازبکستان دارای محصولاتی مانند پنبه و مواد معدنی است که می‌تواند بخشی از نیاز بازار ایران را تامین نماید.

فشارهای جامعه جهانی مخصوصاً اروپا و امریکا به هر دو کشور در مورد مسایل مشابه مانند حقوق بشر و عدم همکاری با سیستم تجارت جهانی از نظر بانکی و عدم تبعیت از رویه‌های مرسوم و معمول بین المللی در زمینه پولی و تجاری.

حضور فعال دو کشور در پیمان‌های منطقه‌ای مانند اکو و شانگهای (<http://vista.ir/article>).

۳-۱-۴- فرصت‌ها و چالش‌های روابط ایران و ترکمنستان

ایران از طریق خشکی با کشورهای آسیای مرکزی در ارتباط است. پس از عراق بیشترین طول مرز را با ترکمنستان دارا است. وابستگی ژئوپلیتیکی ایران با کشورهای آسیای مرکزی سبب شده تا اهداف و منافع ملی کشورها در تعامل با یکدیگر قرار گیرند و سبب توسعه و تکامل سیستم سیاسی جهان گردند (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۴۶). سابقه ی روابط جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان به اوایل پیروزی انقلاب اسلامی باز می‌گردد. جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدا برقراری روابط با جمهوریهای مسلمان اتحاد

شوروی را از جمله اهداف سیاست خارجی خود قرار داده بود. با فروپاشی شوروی و اعلام استقلال ترکمنستان در ۲۷ اکتبر ۱۹۹۱، جمهوری اسلامی ایران اولین کشوری بود که ترکمنستان را به رسمیت شناخت و چند ماه بعد اقدام به تأسیس سفارتخانه در پایتخت این کشور نمود (عطایی، ۱۳۸۹: ۸۰). در گذشته ترکمنستان بخشی از خاک ایران بوده است. به این دلیل، نوعی ارتباط درونی بخصوص به لحاظ فرهنگی میان دو کشور وجود دارد. برای ترکمنستان، ایران کشوری با خصوصیات ویژه است و برای ایران، ترکمنستان محیط مناسبی جهت نفوذ در آسیای مرکزی برای کسب اهداف سیاسی اقتصادی و امنیتی خود قلمداد می‌گردد. به این جهت، ثبات و امنیت در منطقه یک اصل اساسی برای هر دو طرف می‌باشد. ایران به دلایل زیر، ترکمنستان و بهره‌مندی از روابط با آن را، یک اصل اساسی در منافع ملی و سیاست خارجی خود می‌داند:

وجود مرزهای طولانی و مشترک

تأثیر اوضاع ترکمنستان بر امنیت ملی ایران

پتانسیل اقتصادی این کشور بخصوص در بخش انرژی

ریشه‌های تاریخی و فرهنگی و مسلمان بودن اکثر جمعیت این کشور

ترکمنستان به عنوان دروازه ایران در آسیای مرکزی

عضویت ترکمنستان در اگو و اهمیت این سازمان برای ایران

ترکمنستان کشور ساحلی دریای خزر است همین سبب رابطه با ایران شده است

(ابولحسن شیرازی، ۱۳۸۴: ۱۲۴)

برای ترکمنستان نیز روابط با ایران اهمیت خاصی دارد. یکی از دلایل این امر، نقش ایران در حفظ صلح و امنیت منطقه است. همچنین ایران می‌تواند به عنوان مسیر اصلی دستیابی ترکمنستان به آبهای آزاد مورد توجه قرار گیرد. وجود یک اقلیت ترکمن در ایران از جنبه‌ی فرهنگی توجیه‌کننده‌ی این اهمیت است. در بعد اقتصادی نیز، علاقه‌مندی ایران به خرید گاز از ترکمنستان و مسیر ترانزیت برای انتقال گاز این کشور به اروپا، مورد توجه دولت ترکمن قرار دارد، ایران به عنوان مناسب‌ترین، کوتاه‌ترین و

اقتصادی ترین مسیر این خط لوله محسوب می‌گردد (هرزیک، ۱۳۷۵: ۱۷۵). نهایتاً، ایران یک شریک تجاری قابل اتکا و تأمین کننده نیازهای اساسی ترکمنستان است. جمهوری اسلامی ایران علاوه بر این که با سیاست ترکمنستان برای احداث خط لوله نفت و گاز آسیای مرکزی به اروپا مخالفت می‌ورزد، با کشور یاد شده به صورت ذاتی در دو زمینه ی ذیل اختلاف دارد:

وجود دولت‌های لائیک در ترکمنستان علی‌رغم درصد بالای مسلمانان این دو کشور نفوذ کشورهای فر منطقه‌ای نظیر ترکیه، اسرائیل، آمریکا در ترکمنستان (محسنین، ۱۳۷۵: ۶۷).

در مسأله تهدیدات با توجه به اشتراکات مرزی با ترکمنستان، ناامنی‌های ناشی از این کشور برای ایران، مشهودتر است. به صورت خاص می‌توان به دو مورد اشاره نمود: با استقلال جمهوری های شوروی انتظار می‌رفت که ایران با بیش از ۵۱۰۰ کیلومتر مرز مشترک با آن کشور بتواند به راحتی وارد بازار این کشور شده و علاوه بر استفاده از بازارهای داخلی این کشور به دیگر کشورهای آسیای مرکزی نیز دست پیدا کند. اما امروزه این خواسته محقق نشده و در عوض کشورهای دیگری حضور گسترده‌ای را در ترکمنستان تجربه می‌کنند و مرز گمرکی سرخس در شمال شرق مشهد و مرزهای گمرکی لطف آباد و باجگیران در شمال قوچان هر کدام با مشکلات بسیاری که عبور کالا از مسیری غیر «تراسیکا» دست به گریبان شده‌اند. تجارت چمدانی نیز که زمانی برای صادرات غیر نفتی در نظر گرفته می‌شد، اکنون به دلیل مخالفت مقام‌های ترکمنستان بی‌اثر شده است. دومین عامل تنش‌زای مناطق مرزی ایران و ترکمنستان به دلیل وجود اقلیت‌های قومی نظیر ترکمن‌ها، دارای پیچیدگی‌های امنیتی فراوان است. شکاف‌های قومی می‌تواند زمینه ساز اختلافات مرزی شده و نهایتاً درگیری‌هایی را ایجاد کند و مانع توسعه ی مناسبات ایران و آسیای میانه شود (ابولحسن شیرازی، ۱۳۸۴: ۱۲۵).

۴-۱-۴- فرصت‌ها و چالش‌های روابط تاجیکستان و ازبکستان

تاجیکستان پس از جنگ داخلی بعثت رشد زیاد جمعیت و نیاز به سوخت به دنبال بهره‌وری از منابع آبی بالادست بر آمد (Borisov, 2012:1). بر این اساس تاجیکستان دارای دو هدف اساسی بود: اول گسترش زمینهای کشاورزی برای تامین امنیت غذایی جمعیت در حال رشد خود و دوم افزایش تولید برق آبی. درباره افزایش استفاده از آب در یکی از گزارشات نماینده روسیه تزاری در آسیای مرکزی، که سال ۱۹۰۶ ارسال شده، آمده است: «تاجیک‌ها در هر جایی که امکان هست، در حال توسعه میادین کشاورزی هستند». این کشور پس از استقلال زمینهای کشاورزی خود رابه ۲۰۰۰۰۰ هکتار افزایش داده است. علاوه بر این برای تولید برق آبی به ساخت سدها و پروژه‌های مختلفی پرداخته است: سد راغون با ظرفیت تولید بالقوه ۳/۶۰۰ مگاوات برق است که در سال ۱۹۸۰ ساخت آن آغاز شد ولی سیل عظیم سال ۱۹۹۳ به تخریب این سد انجامید. تاجیک‌ها درصدد جذب سرمایه‌گذاریهای خارجی برای احداث دوباره این سد برآمدند که در صورت ساخته شدن به بلندترین سد جهان (۳۳۵) تبدیل می‌شود که هزینه‌ی ساخت آن ۳ میلیارد دلار برآورد شده است این کار باتوجه به عدم تامین مالی دولت تاجیکستان به حالت تعلیق در آمده است و این دولت به دنبال یک شریک استراتژیکی برای ساخت این سد است. علاوه بر این از بزرگترین نیروگاه‌ها می‌توان از نیروگاه برق «نورکسی» در تاجیکستان نام برد. همچنین در تاجیکستان نیروگاه‌های سنگ توده ۱ و ۲ در حال احداث می‌باشد که اتفاقاً نیروگاه سنگ توده ۲ با همکاری و مشارکت دولت ایران در حال احداث است. علاوه بر این تاجیکها با ساخت نیروگاه نارک به تولید برق آبی با ظرفیت ۶۷۰ مگاوات پرداخته‌اند ازبکستان شدیداً نگران این موضوع است زیرا تاجیکستان بیشترین استفاده از آب آمودریا را دارد و ازبکستان استدلال می‌کند که این سد باعث تباهی کشاورزی این منطقه است علاوه بر این این سد با ایجاد امواج زمین لرزه به طور گسترده در صورت شکسته شدن ۷۰۰ روستا و زندگی ۵ میلیون نفر از مردم ازبکستان، قزاقستان و ترکمنستان را نابود می‌کند. تاجیکستان همچنین دارای یک برنامه ریزی برای

ساخت یک نیروگاه برق آبی (روگان) است که احتمالاً بر مناطق شمال ازبکستان تاثیر می‌گذارد. که ساخت آن از سال ۱۹۹۲ آغاز شده است پاکستان که علاقه‌مند به دریافت برق ارزان بوده است ۶۰۰ میلیون دلار برای ساخت این سد به دولت تاجیکستان کمک کرده است این نیروگاه برای ازبکستان پیامدهای امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و ... دارد زیرا ۷۵٪ از مردم ازبک در روستاها زندگی می‌کنند. دولت ازبکستان با استفاده از لابی‌های سیاسی به تضعیف پیمانکاران روسی این پروژه‌ها پرداختند. مقامات تاجیکستان می‌گویند با توجه به افزایش جمعیت کشورشان و نیاز به تامین نیروی برق و نداشتن سوخت‌های فسیلی، چاره‌ای جز ساخت سد و نیروگاه‌های آبی بر روی این دو رودخانه ندارند و مقامات ازبکستان می‌گویند، ایجادسد «راغون» با ارتفاع ۳۳۵ متر در تاجیکستان، سبب کاهش جریان آورد این رودخانه‌ها به کشورشان شده که گسترش صحراهای «قره قوم»، «قزل قوم» و خشک شدن دریاچه «آرال» را بدنبال دارد اما این موضوع را مقامات تاجیکستان ناشی از سوء مدیریت منابع آبی در ازبکستان می‌دانند.

موقعیت تاجیکستان در خصوص نیروگاه راغون:

نیروگاه تولید برق آبی راغون سازگار با محیط زیست است و برق تولیدی از آن ارزان قیمت است،

نیروگاه راغون رشد اقتصادی تاجیکستان را تسهیل می‌کند،

راغون به هیچ وجه برای دریا آرال تهدید بالقوه‌ای محسوب نمی‌گردد.

موقعیت ازبکستان در خصوص نیروگاه راغون:

ساخت این سد باعث کاهش آب ورودی دریای آرال گردیده و به خشک شدن آن خواهد انجامید،

تاجیکستان با توجه به سدهایی که احداث نموده دیگر نیازی به ایجاد راغون جهت تولید برق آبی نخواهد داشت،

تاجیکستان نباید بر روی رودهایی که از سرزمین این کشور عبور می‌کند بدون موافقت ازبکستان به احداث سد بپردازد.

اختلاف این کشورها زمانی شکل گرفت که ازبکستان به خوبی درک کرد برای توسعه بخش کشاورزی و تامین آب اهالی خود، به تدریج به آب تاجیکستان وابسته خواهد شد؛ همان‌گونه که این کشور برای توسعه زیرساخت‌های خود به راه، نفت و گاز ازبکستان نیاز دارند. بنابراین دو طرف سعی می‌کنند با استفاده از این اهرم‌ها، از یکدیگر امتیاز بگیرند که قطع چندین باره جریان گاز از ازبکستان به تاجیکستان و متوقف کردن کالاهای وارداتی به تاجیکستان در مرزهای ازبکستان را می‌توان در این راستا ارزیابی کرد (کریمی، ۱۳۹۲: ۲).

۵-۱-۴- فرصت‌ها و چالش‌های روابط ازبکستان و ترکمنستان

ترکمنستان با محدودیت منابع آب روبرو است. این کشور دارای اقلیم خشک و ببری است و چهار پنجم مساحت آن یا حدود ۳۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع آن را صحرای قره قوم تشکیل می‌دهد. به جز در نوار بسیار کوتاه و کم وسعت کوه‌های کپه داغ و پاراپامیز، هیچ رودخانه‌ای در تمام وسعت ۴۸۸۱۰۰ کیلومتر مربعی آن شکل نمی‌گیرد (سینایی، ۱۳۸۹: ۱۳۶). در ارتباط با اختلافات ازبکستان و ترکمنستان راجع به آب باید بیان نمود؛ زندگی حدود ۸ میلیون نفر در ازبکستان و ترکمنستان به آب رودخانه آمودریا بستگی دارد. دو کشور مزبور در سال ۱۹۹۶ توافقی در زمینه تقسیم مساوی آب بین خود امضا کردند. نمایندگان ازبکستان و ترکمنستان رسماً می‌گویند که از اجرای این قرارداد خشنودند. با این حال کارشناسان آب ازبکستان و سیاست‌مداران در استان خوارزم و جمهوری خودگردان قره‌قالپاقستان از این امر گله‌مندند که ترکمنستان آب بسیار زیادی برداشت می‌کند. کارشناسان ازبک خاطر نشان می‌سازند که تقسیم مساوی آب آمودریا بین ترکمنستان و ازبکستان غیر منصفانه است زیرا ۱۴ میلیون نفر در ازبکستان به آب رودخانه آمودریا متکی هستند در حالی که در ترکمنستان فقط ۴ میلیون نفر به آب این رودخانه وابسته‌اند. علاوه بر این ازبکستان زمین بیشتری را می‌بایست آبیاری کند و آب می‌بایست مسافت‌های طولانی‌تری را طی کند. در نظر آنان، از نقطه نظر جمعیتی، کل

زمین نیازمند به آبیاری و نیز ضایعات آب به هنگام تعیین سهمیه آب می‌بایست در نظر گرفته شود. ازبکستان همچنین ادعا می‌کند که ترکمن‌ها از سهمیه خود تجاوز می‌کنند، ترکمنستان و ازبکستان هر یک حق دارند حدود ۲۰ کیلومتر مکعب آب از آمودریا بردارند. در واقع گفته می‌شود ترکمنستان بالغ بر ۳۰ کیلومتر مکعب آب برداشت می‌کند. سرانه مصرف آب ترکمنستان به سبب مدیریت بسیار ضعیف آب حدود دو برابر ازبکستان است. از جمله موارد چالش برانگیز دیگر میتوان به کانال قره قوم اشاره نمود. بزرگترین شبکه آبیاری در منطقه بیابانی رودخانه معروف قره قوم است که از محدوده بیابانی جنوب شرق و جنوب ترکمنستان عبور می‌کند. این رودخانه سه رودخانه آمودریا، مرغاب و تجن را در این جمهوری به هم‌دیگر وصل می‌کند. فاز اول احداث رودخانه فوق به طول ۴۰۰ کیلومتر در سالهای ۵۹-۱۹۵۴ عملی گردیده و رودهای آمودریا و مرغاب را به هم وصل می‌کند. رودخانه قره قوم سابق براین کانال قره قوم نامیده می‌شد. رودخانه فوق از «باش سافا» واقع در نزدیکی شهر کرکی (در کرانه چپ و نزدیکی آمودریا) شروع می‌شود. ۴۰ کیلومتر اول رودخانه تحت عنوان رودخانه «بوساغا کرکی» بوده و سپس حدود ۷۰ کیلومتر از روی بیابان رس ماسه ای ابروچف عبور کرده و مسیر خود را از میان تپه‌های پیوسته ماسه ای قره قوم جنوب شرقی ادامه می‌دهد. در اینجا گاهی فرسایش دیواره‌های ماسه‌دار رودخانه نیز اتفاق می‌افتد و حتی گاهی رسوبات ماسه‌ای مسیر رودخانه را مسدود می‌کنند. برای مقابله با این وضعیت‌ها از راه‌حل‌های تکنولوژیکی بهره می‌جویند. آب آمودریا از طریق رودخانه قره قوم در ۴ کیلومتری مرو با آب مرغاب وصل می‌گردد. از همین نقطه فاز دوم رودخانه قره قوم که در بین مرغاب و تجن قرار دارد، شروع می‌شود. فاز دوم رودخانه (با طول ۱۴۰ کیلومتر) در سال ۱۹۶۰ احداث گردید در سال ۱۹۶۱ سد بزرگ خان حوض و در سال ۱۹۷۱ به منظور ذخیره آبهای رودخانه در بین تجن و مرغاب احداث گردید (قلی بغده، ۱۳۹۰: ۲۳۴).

عملیات اولیه فاز سوم رودخانه در بین عشق آباد و تجن قرار دارد (به طول ۲۵۷ کیلومتر) این طرح در سالهای ۶۲-۱۹۶۱ اتمام یافته و ۱۲ ماه مه ۱۹۶۲ به عشق آباد، پایتخت

جمهوری رسید. حفر فاز چهارم رودخانه که در بین گوگ تپه و غازانجیق قرار دارد به انجام رسیده، نیمی از رودخانه ۲۵۰ کیلومتری این فاز مدتها پیش (۱۹۷۷) به اتمام رسیده و برای ذخیره آب در نزدیکی گوگ تپه، سد بزرگ کوپت داغ (با ظرفیت ۱۹۰ میلیون مترمکعب) در سال ۱۹۷۴ ساخته شد. این رودخانه تاکنون با طول ۱۱۰۰ کیلومتر به غازانجیق رسیده است و یک میلیون هکتار از زمینهای مزروعی (عمدتاً کشتزارهای پنبه) از طریق آن آبیاری می‌شود. پیگیری طرح از غازانجیق به دو شاخه غازانجیق (قره اترک) قوم داغ، طول آن را به ۱۵۰۰ کیلومتر خواهد رسانید. طبق طرح بلند مدت رودخانه قره قوم، انتقال آب از طریق ادامه حفر آن به نفت داغ، چله کن، ترکمن باشی و تأمین آب مناطق فوق را در برمی‌گیرد. طی پیش بینی حفر رودخانه تا غار انجیق ادامه می‌یابد سپس بواسطه لوله های آب تا نفت داغ امتداد یافته و در آنجا حوض ذخیره آب و تصفیه آب ایجاد می‌گردد. آبهای تصفیه شده به مدد لوله‌های آب به چله کن و ترکمن باشی انتقال خواهد یافت. در آبراه قره قوم مهم ترین انشعاب از آمودریا که اراضی ترکمن را سیراب می‌سازد دو برابر زمان شوروی آب جریان دارد، اما نگهداری آن بخوبی صورت نمی‌گیرد. به تدریج گل و لجن در آن انباشته می‌شود و به طور روز افزونی از کارایی آن کاسته می‌گردد و بر ضایعات آب اضافه می‌شود. حل این مسئله دو راه دارد: یا می‌بایست به هزینه‌های گزاف بازسازی کانال تن داد و یا به میزان برداشت آب از رودخانه آمودریا هر روز افزود. تاکنون راه دوم غالب بوده است (قلی بغده، ۱۳۹۰: ۲۳۵). با توجه به تقاضای بالقوه افغانستان برای آب بیشتر از آمودریا و طرحهای آتی ترکمنستان برای ایجاد مخازن، چنین به نظر می‌رسد که روابط ازبکستان-ترکمنستان بر سر مسئله آب تیره‌تر شود. به علاوه در اکتبر سال ۲۰۰۰ م ترکمنستان کار احداث عظیم ترین دریاچه مصنوعی را در صحرای قره قوم به نام دریاچه قرن طلایی آغاز کرد این دریاچه سبب نابودی بخش شمال غربی صحرای کاراکوم شد که پوشش گیاهی ۳۵۰۰-۴۰۰۰ km را از بین برد. این دریاچه که قادر به ذخیره کردن ۱۵۰-۱۳۲ km آب است. مرحله ی اول ساخت این پروژه در سال ۲۰۰۴ به پایان رسیده است و این دریاچه دارای مخزنی جهت

خنک کردن نیروگاه هسته‌ای ترکمنستان است. این پروژه نگرانی فوری کشور ازبکستان را ایجاد کرد زیرا این کشور نمی‌توانست از آب باقی مانده و رسیده به کشورش برای آبیاری زمین‌های کشاورزی استفاده کند. ازبکستان استدلال می‌کند که آب باقی مانده دارای محتوای بالایی از نمک است که به تدریج با بالا رفتن گرما در صحرای کاراکوم تبخیر شده و نابودی زمین‌های کشاورزی ازبکستان را به دنبال خواهد داشت. چنانچه ترکمنستان بخواهد مصرف آب خود را از آمودریا افزایش دهد، عواقب این امر برای ازبکستان فاجعه‌آمیز خواهد بود. استان‌های اورگنج و قره‌قالپاقستان با کمبود آب بیشتری مواجه خواهد شد.

جدول ۴. فعالیتهای آبی کشورها

فاکتورهای اقتصادی								کشور	دوره زمانی
کل	سایر	کشاورزی	ماهگیری	صنعت	میزان استفاده از آب	آب در دسترس	آب در دسترس		
۱۱۳۱۷	۴۵۱	۱۰۸۳۶	۱۱۱	۲۷۵	۱۳۱	۲۱۳	۱۹۹۰	قزاقستان	
۷۳۱۴	۹۹	۶۸۱۴	۱۱۰	۶۴	۱۲۵	۱۰۲	۱۹۹۷		
۱۲۹۶۳	۶۰۰	۱۰۹۳۵	۳۴۱	۴۷۴	۳۲۹	۳۸۴	۲۰۱۰		
۵۱۱۵	۱۳	۴۹۱۰	۰	۶۸	۷۰	۹۴	۱۹۹۰	قرقیزستان	
۴۸۵۶	۰	۴۶۴۸	۵	۴۲	۶۹	۹۲	۱۹۹۷		
۸۷۷۰	۱۷	۷۸۲۰	۰	۳۱۵	۲۶۶	۳۵۲	۲۰۱۰		
۱۳۳۸۳	۳۷۴	۱۱۲۲۱	۰	۶۰۷	۶۹۶	۴۸۵	۱۹۹۰	تاجیکستان	
۱۱۴۲۵	۰	۹۴۴۳	۰	۹۳۱	۶۱۵	۴۳۶	۱۹۹۷		
۱۴۳۰۰	۶۰۰	۱۰۳۸۰	۵۰۰	۱۴۰۰	۶۵۰	۷۷۱	۲۰۱۰		
۲۴۷۷۰	۲	۲۴۴۱۶	۳۵	۱۲۶	۷۰	۱۲۱	۱۹۹۰	ترکمنستان	
۲۷۷۳	۰	۲۲۲۰۰	۳۸	۱۳۵	۸۰	۳۲۰	۱۹۹۷		
۲۸۱۴۵	۰	۲۲۲۲۵	۴۰۰	۱۱۵۰	۲۷۰	۱۱۰۰	۲۰۱۰		
۶۳۲۱۷	۰	۵۸۳۳۸	۷۸۳	۱۲۶۰	۹۳۹	۲۰۵۱	۱۹۹۰	ازبکستان	
۵۳۷۳۲	۰	۴۶۶۲۲	۵۸۲	۱۰۷۰	۱۲۰۰	۲۲۵۹	۱۹۹۷		
۵۹۲۰۰	۰	۴۰۱۰۲۰	۲۲۴۰	۱۴۶۰	۱۶۳۰	۵۸۵۰	۲۰۱۰		

Sourc:for1997fao(1997) for1997 reports(3-7)for:2010(1)

جدول ۵. درگیری های کشورهای آسیای مرکزی

سیستم هیدرولیکی	کنترل منابع	کاربر اصلی	نوع اختلافات	درگیریهای قومی و ارضی	شدت در گیریها
Naryn and Toktogul resv	Kyrgyzstan	Kyrgyzstan Uzbekistan	جریانات پایین دست و بالادست	تنشهای قومی بین ازبکستان و قرقیزاقستان در دره ی فرغانه	بالا
Kayrakum resv	Tadjikistan	Uzbekistan Tadjikistan	جریانات پایین دست و بالادست	استفاده ی تاجیکها از دره ی فرغانه که مورد رضایت ازبکستان نیست	متوسط
Tributaries to Fergana Valley	Kyrkystan	Uzbekistan Tadjikistan	سیستم آبیاری به اشتراک گذاشته شده	تنشهای قومی بین جمعیت ازبکستان و تاجیکستان	بالا
Chardara resv	Kazakhstan	Kazakhstan Uzbek minority	جریانات پایین دست و بالادست سیستم آبیاری به اشتراک گذاشته شده	انتقال آب از سیردریا به قرقیزستان که مورد نارضایتی ازبکستان و قزاقستان است	کم
Vakhsh/Pyandsh	Tadjikistan	Tadjikistan	جریانات پایین دست و بالادست(بالقوه) (Badakhstan)	تقسیمات فرقه ای آمودریا بین گورن و منطقه کورگان تیوب	بالا
Zeravshan	Tadjikistan	Uzbekistan	جریانات پایین دست و بالادست	تنش های قومی میان جمعیت ازبک و تاجیک؛	متوسط

			سیستم آبیاری به اشتراک گذاشته شده	انتقال رسد فوقانی زرافشان به ازبکستان	
Lower Amu Darya	Turkmenistan Uzbek minority	Turkmenistan Uzbekistan	جریان‌ات پایین دست و بالادست سیستم آبیاری به اشتراک گذاشته شده	ادعاهای ارضی در مورد بخش‌هایی از واحه Tazhaus، استان خوارزم، و Cardzhou در وسط آمودریا	متوسط
Kara Kum canal	Turkmenistan	Turkmenistan	انتقال آب	اهمیت Interrepublican، برای عواقب کاربران وبالو پایین دست	متوسط

منبع: نگارنده

جدول ۶. موافقت نامه های میان کشورهای آسیای مرکزی

سال	طرفین قرارداد	نتایج
۱۹۹۱	قزاقستان و کشورهای آسیای مرکزی	حقوق مادی برای تمام جمهوریها در نظر گرفته شود
۱۹۹۲	قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان ازبکستان	همکاری برای مدیریت و حفاظت از منابع آبی
۱۹۹۴ ژانویه	کشورهای آسیای مرکزی	دارای ۴ هدف اصلی: ۱. حفظ ثبات زیست محیطی ۲. بازسازی منطقه ۳. بهبود مدیریت آبی ۴. ایجاد نهادهای بین المللی
ژوئن ۱۹۹۴	کشورهای آسیای مرکزی	کمک ۲۲۰ میلیون دلاری بانک

جهانی برای جلوگیری از خشک شدن آرال		
استفاده از آب و انرژی و موافقتنامه هایی جهت جبران سوخت و انرژی	قزاقستان، قرقیزستان	۱۹۹۵
رهاسازی آب سیر دریابه مزارع پنبه درمقابل دریافت نفت و گاز	قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان	۱۹۹۶ آوریل
تقسیم رودخانه ی آمودریا	ترکمنستان و ازبکستان	۱۹۹۶
یک توافق استراتژیکی مشترک در استفاده از آب برای تولید برق آبی و نظارت بر جریان آب	کشورهای آسیای مرکزی	سپتامبر ۱۹۹۷
به اشتراک گذاشتن آب براین اساس مخزنهای آب قرقیزستان با قزاقستان به اشتراک گذاشته شد	قزاقستان، قرقیزستان	دسامبر ۱۹۹۷
قراردادی جهت حفظ محیط زیست به امضای طرفین رسید	قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان	ژانویه ۱۹۹۸
همکاری هایی برسر استفاده ی مشترک از منابع آبی، کمکهای حقوقی، مبارزه با جرم و جنایت و قاچاق مواد مخدر	تاجیکستان و ازبکستان	آوریل ۱۹۹۸
ساخت یک مخزن مشترک بر روی رود نارین یکی از سرشاخه های سیردریا	قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان	مارس ۱۹۹۸

مدیریت یکپارچه در جهت استفاده از منابع آبی	کشورهای آسیای مرکزی	۱۹۹۹
همکاریهای دوجانبه برای رسیدگی به مشکلات مخازن آبی	ترکمنستان و ازبکستان	ژوئن ۲۰۰۰
همکاری جهت استفاده ی بهینه از منابع آبی و حل و فصل متقابل مشکلات فنی و پرداخت بدهی های دولت تاجیکستان	تاجیکستان و ازبکستان	فوریه ۲۰۰۱
توافق قزاقستان برای پرداخت بدهی ۲۱/۵ میلیون دلاری به منظور تسهیل مذاکرات	قزاقستان، قرقیزستان	مارس ۲۰۰۱
توزیع مشترک آب	قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان	۲۰۰۲
کمیسیون دوجانبه مربوط به مسائل زیرساختی با ابتکار عمل سازمان ملل متحد	قزاقستان، قرقیزستان	ژوئیه ۲۰۰۶
توافق برای ایجاد پروژه‌های مشترک از جمله ایجاد یک اتحادیه گمرکی و بازار مشترک	کشورهای آسیای مرکزی	اوت ۲۰۰۶

منبع: نگارنده

۲-۴- سناریوهای انتقال آب از مسیر تاجیکستان - افغانستان

دومین مسیری که می‌توان جهت انتقال آب در نظر داشت مسیری است که از شمال کشور افغانستان عبور می‌کند با توجه به مناسبات گسترده تاجیکستان با افغانستان و کمک های مالی ایران به این کشور می‌توان بیان نمود که انتقال آب از این مسیر عاقلانه-

تر و راحت تر صورت گیرد البته عوامل تنش‌زایی نیز در این مسیر وجود دارد که موجب بالابردن ریسک عملیاتی خواهد شد.

۱-۲-۴- فرصت‌ها و چالش‌های روابط تاجیکستان و افغانستان

افغانستان کشوری توسعه نیافته با مشکلات سیاسی-اقتصادی بی شماری است. این کشور از لحاظ اقتصادی سعی دارد خود را به همسایه شمالی، تاجیکستان نزدیک کند به طوری که در سالهای گذشته، دوشنبه میزبان نمایشگاه تجاری افغان بود که در آن افغان‌ها توانسته بودند با ارائه کالاهای خوب و ارزان قیمت روابط تجاری خود با تاجیکستان را تقویت نمایند. تاجیک‌ها هم اکنون توجه‌شان به برقراری روابط بیشتر با افغانستان جلب شده است و افغانستان امروز که با ضعیف شدن قدرت طالبان در ابتدای مسیر توسعه قرار گرفته، هم اکنون به میدان رقابت همسایگان خود از جمله ایران و تاجیکستان تبدیل شده است. به عنوان اولین ویژگی اقتصاد افغانستان می‌توان به کشفیات جدید ذخایر نفت و گاز در شمال افغانستان اشاره کرد به طوری که یک شرکت تحقیقات زمین‌شناسی آمریکا اعلام کرده مقدار این مواد به ۴۴۴ میلیارد متر مکعب گاز و بیش از یک و نیم میلیارد بشکه نفت می‌رسد که در حوزه‌های آمو و مرز میان افغانستان و تاجیکستان قرار دارد بدین ترتیب احتمال دارد که این کشفیات جدید شرکت‌های استخراج نفت و گاز را به سوی افغانستان بکشاند. افغانستان از نظر داشتن معادن با ارزش نیز توان اقتصادی بالقوه‌ای دارد که به طور خلاصه می‌توان به معادن بزرگ «آهن حاجی گک»، «سرب فرنجل غوربند»، «مس عینک لوگر»، «لاجورد کران و منجان»، «طلای افغانستان»، «اورانیم»، اشاره کرد اما یکی از امتیازات اقتصادی افغانستان موقعیت استراتژیک جغرافیایی آن و مسیر اتصال آسیای میانه به جنوب و از همه مهمتر عبور مسیر خط لوله گاز ترکمنستان، افغانستان، پاکستان از آن است. این کشور از یکسو به صادرکنندگان نفت و گاز مانند ایران، کشورهای آسیای میانه و حوزه خلیج فارس دسترسی داشته و از سوی دیگر با کشورهای مصرف کننده نفت و گاز هم روابط نزدیکی دارد. خط انتقال برق به

افغانستان با نام پروژه سنگ توده پل خمره و صادرات منظم برق به کابل بازار تازه‌ای برای تاجیک‌ها گشوده است. ناظر جان یادگاری، سخنگوی شرکت هلدینگ برق تاجیک، گفت: در ابتدا حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان و امامعلی رحمان رئیس جمهور تاجیکستان در کراچی درباره صادرات برق گفتگو و به بن بست رسیده بودند، چرا که افغانستان واردات برق از ازبکستان را مد نظر داشت. بنابراین تاجیکستان برای خلاص شدن از دست این رقیب باید چاره‌ای می‌اندیشید چرا که به گفته‌ی بهرام سراج‌اف، رئیس افتخاری انجمن مهندسين برق تاجیکستان، صادرات برق به افغانستان برای تاجیکستان منفعت زیادی دارد، حتی اگر این کشور با کمبود برق مواجه شود نیاز دارد تا حضورش را در بازار منطقه‌ای برق حفظ کند. هر چند که ازبکستان در تمام طول سال برای افغانستان برق تامین می‌کند، اما این کشور ظرف چند سال دیگر قادر به رقابت با تاجیکستان نخواهد بود این گفته‌ی سراج‌اف نشان می‌دهد نیروگاه‌های برق آبی تاجیکستان برق ارزان تری را نسبت به نیروگاه‌های ترموالکتریک ازبکستان تولید می‌کنند؛ که این برق ارزان قیمت باعث تحریک بازار اقتصادی در کشورهای نزدیک شده و دری را برای تاجیکستان به سمت بازار برق پاکستان که به خاطر افت ولتاژ و قطعی مکرر برق معروف است باز خواهد کرد. امضای چهارمین قرارداد همکاری‌های منطقه‌ای در کابل با امضای عبدالهادی ارغندیوال، وزیر اقتصاد کشور افغانستان و آقای حکیم‌اوف وزیر ترانسپورت تاجیکستان مناسبات همکاری بین دو کشور را بیشتر به تصویر کشید. امضای این قرارداد دو کشور را متعهد کرد تا در امور تجارت، گمرکات، انرژی و آب، ترانسپورت، مخابرات، زراعت، معادن، اطلاعات و فرهنگ و صحت همکاری‌های گسترده‌ای انجام دهند. در پنج سال اخیر مبادلات تجاری میان افغانستان و تاجیکستان ۵۰ درصد افزایش یافته است که این رقم نشان دهنده توافق‌های گسترده تجاری بین این دو کشور می‌باشد. یکی از مواردی که نشان دهنده‌ی توجه ویژه تاجیکستان به افغانستان بوده مشارکت تاجیکستان در پروژه‌های بازسازی اقتصاد افغانستان است. به طوری که وزیر خارجه تاجیکستان طی نشست‌های در دی ماه سال جاری که با حضور سفیر جمهوری

چین به منظور بررسی نتایج کنفرانس استانبول درباره افغانستان برگزار شد، یادآوری کرد که تاجیکستان در چارچوب پروژه CASA-۱۰۰۰ در پروژه‌های مشترک توسعه شبکه اقتصادی افغانستان، فعالانه شرکت می‌کند و توسعه روابط ترانسپورتهای افغانستان - تاجیکستان را مد نظر دارد (جعفری، ۱۳۹۱).

۲-۲-۴- فرصت‌ها و چالش‌های روابط ایران و افغانستان

عدم وجود ثبات سیاسی، اداری، اقتصادی در افغانستان از چندین دهه قبل به ویژه بعد از خروج شوروی سابق از این کشور تاکنون همواره منشأ بروز مشکلاتی در مرزهای شرقی کشور بوده است. به طوری که در طول ۱۳۰ سال، افغانستان دست کم شش بار کانون انتشار امواج بحران زا به دولت‌های همجوار به ویژه ایران و پاکستان بوده است (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۶). افغانستان منابع تنش‌زای زیادی با ایران دارد، اما مهمترین چالش‌های این کشور در مرزهای شرقی کشور عبارتند از:

۱- **مواد مخدر:** قاچاق مواد مخدر در کنار بحران هسته‌ای، بحران جمعیت و بحران محیط زیست یکی از چهار بحران عمده قرن بیست و یکم لقب گرفته است. بر اساس گزارش سازمان ملل متحد حدود ۸۵٪ تریاک جهان در افغانستان تولید می‌شود (حمیدی، ۱۳۸۳: ۱۷۳). همچنین افغانستان ۷۰٪ مواد مخدر دنیا را تامین می‌کند. طول مرزهای ایران با افغانستان ۹۴۵ کیلومتر است و کشورهای جهان همکاری مؤثری با ایران ندارند. صدور مواد مخدر از افغانستان به ایران برای مصرف داخلی و انتقال به اروپا، در شمار منابع اصلی تنش بین دو کشور بوده است (کریمی پور، ۱۳۷۹: ۱۵۰). ایران از دو جهت در معرض تهدیدات مواد مخدر است: اول اینکه می‌تواند محلی برای ترانزیت این مواد باشد ۵۰٪ مواد مخدر افغانستان به قصد ترانزیت وارد کشور می‌شود. که از این رهگذر سالانه ۵۶۱ میلیون دلار هزینه به ایران تحمیل می‌شود. علاوه بر هزینه‌های مالی هزینه‌های انسانی شدیدی نیز به ایران وارد شده است. تلفات انسانی نیروهای انتظامی در مقابله با قاچاقچیان مواد مخدر بالغ بر ۳۲۰۰ نفر اعلام شده است (

www.afghanistanpaper.com). دوم اینکه قاچاق مواد مخدر از طریق خاک ایران به اروپا و توزیع مقداری از این مواد در ایران، تعداد معتادین مواد مخدر را در ایران بشدت افزایش داده است. مهمترین دلایل و چالش‌های تولید و قاچاق مواد مخدر در افغانستان عبارتند از:

گره خوردگی اقتصاد افغانستان با تجارت مواد مخدر

کم هزینه بودن کشت خشخاش

تقاضای روز افزون، بستر ساز افزایش قیمت مواد مخدر

برخورد انفعالی دولت افغانستان با کشت خشخاش

نبود ثبات امنیتی-سیاسی در افغانستان

تأمین منابع مالی دولت از اقتصاد مواد مخدر

پیش خرید تریاک توسط تجار مواد مخدر

وجود رقابت اقتصاد پنهان بین قوم پشتون و دیگر اقوام

دست نشانده بودن دولت افغانستان (غنچی، ۱۳۸۶: ۲۶۵-۲۶۱).

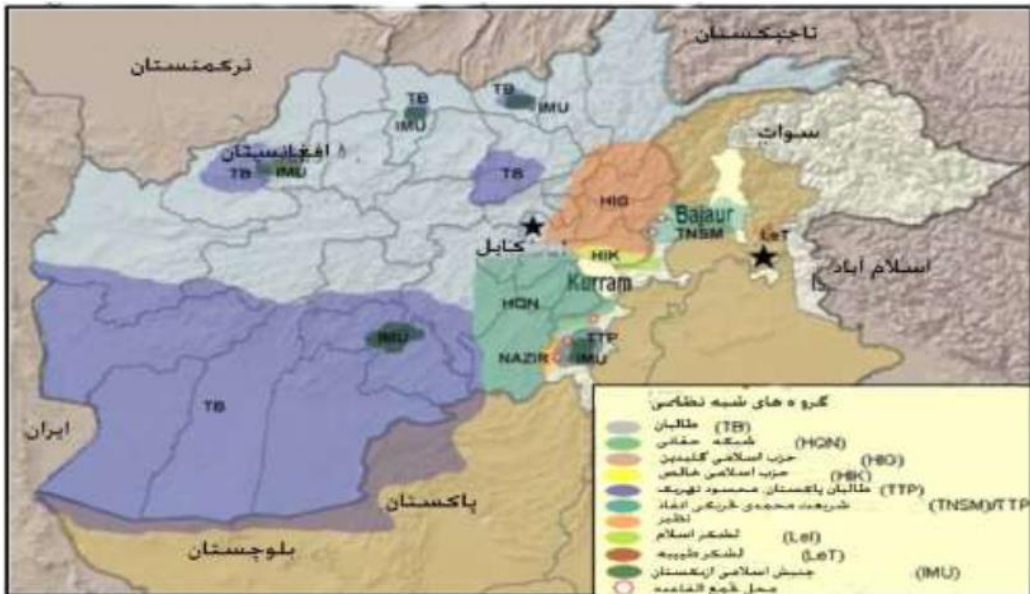
۲- **پناهندگان افغانی:** مهاجرت افغان‌ها به ایران سابقه ۳۰ ساله دارد. حتی قبل از این نیز مهاجرین افغان به صورت نیروی کار به ایران مهاجرت می‌کردند. بنا به گفته مقامات ایران شمار افغانهایی که به ایران مهاجرت کرده‌اند زمانی به حدود ۳/۵ میلیون نفر می‌رسید که پس از سرنگونی حکومت کمونیستی در افغانستان شمار زیادی از آنها به کشورشان بازگشتند. اما آغاز دور تازه درگیری‌ها در دوره حکومت مجاهدین نه تنها باعث مهاجرت مجدد افغان‌ها شد بلکه شمار قابل توجهی از مردم به شهر کابل و سایر مناطق مهم درگیری وادار به ترک افغانستان و مهاجرت‌ها به کشورهای همسایه خصوصاً ایران ادامه یافت شدند. بدین ترتیب مهاجرین افغانی مقیم ایران به سه گروه قابل تقسیم اند: گروه اول کسانی هستند که از سال ۱۳۶۰-۱۳۷۴ یعنی در پی ظهور طالبان و تشدید جنگ‌های داخلی افغانستان به ایران مهاجرت نمودند. گروه دوم کسانی هستند که از سال ۱۳۷۲ - ۱۳۷۴ یعنی در پی ظهور طالبان و تشدید جنگ‌های داخلی افغانستان به ایران

مهاجرت نمودند. گروه سوم کارگران فصلی را شامل می‌شوند که قبل از سال ۱۳۵۷ نیز به ایران آمد و شد داشته‌اند. دسته سوم یعنی کارگران فصلی افرادی هستند که خانواده-هایشان در داخل افغانستان هستند و فقط برای کار به ایران مراجعت می‌کنند. مشکل این عده آن است که فاقد مدرک اقامتی در ایران هستند و این به دو دلیل است. اول اینکه از عواقب شناسایی شدن و خلق مشکل برای خود نگرانند و دوم اینکه به دلیل اینکه پس از اتمام و دریافت حقوق به افغانستان بر می‌گردند، به داشتن مدارک اقامتی احساس نیاز نمی‌کنند. و در نهایت، در افغانستان نبود زیرساخت‌های اقتصادی جهت ادامه معیشت قادر به بازگشت به کشور خود نیستند و این امر هزینه سنگینی را به کشور تحمیل ساخته است. هم‌چنین وجود ناامنی داخلی در افغانستان تأثیر به‌سزایی بر امور امنیتی کشورمان خواهد داشت و زمینه ساز به وجود آمدن بحران امنیتی خواهد شد (احمدی پور، ۱۳۹۰: ۵۰۲).

۳- مذهب و قومیت: هویت افغان هویتی نه ملی بلکه خرده ملی و قومیتی است. در ایران و افغانستان، تمرکز قومیت بلوچ یا اهل سنت در مرزهای ایران با افغانستان برای ایران نگران کننده است. مشکل از اینجا ناشی می‌شود که ایران و افغانستان از ارتباط دو سوی مرزها و تأثیر آن بر امنیت ملی خود نگران هستند. آمد و شد مهاجرین افغانستان و ارتباطات فامیلی که از گذشته‌های دور میان جمعیت‌های دو سوی مرز وجود داشته است پیامدهای امنیتی مختلفی برای امنیت ملی دو کشور داشته است. افغانستان کشوری است که چیزی بیش از ۵۰ قومیت با خصوصیات خاص قومی-زبانی و سنت‌های ویژه در آن شناسایی شده است، به همین جهت از افغانستان به نام «موزاییک قومیت‌ها» یاد کرده‌اند. جمعیت افغانستان با اکثریت پشتون و اهل سنت، و ایران کشوری است با اکثریت جمعیتی فارس زبان و اهل تشیع. در حالیکه مرز نشینان ایران و افغانستان به لحاظ مذهبی به یکدیگر نزدیکند و اکثریت را اهل سنت تشکیل می‌دهند، از نظر قومی ترکیب جمعیتی در مرزهای ایران و افغانستان بویژه در ناحیه استان هرات، تاجیک‌ها هستند که به لحاظ زبانی و قومی خود را به ایرانی‌ها نزدیک‌تر می‌بینند. تحت این شرایط، مطلوب

ایران این خواهد بود که قومیت‌های فارس زبان و نیز پیروان مذهب شیعه در مرزهای افغانستان با ایران مستقر شوند. در مقابل، دولت افغانستان تلاش خواهد کرد و یا مطلوب آن این خواهد بود که قومیت پشتون و نیز پیروان اهل سنت در مرزهای ایران و افغانستان تمرکز بیشتری داشته باشند. ایران به اقلیت شیعه هزاره و در حد گسترده‌تر به جبهه متحد شمال و جمعیت اسلامی برهان الدین ربانی و اسماعیل خان در هرات نظر مثبت داشت (ملازهی، ۱۳۸۳: ۱۵). اگر روزی مسأله قومیت و مذهب بخواهد بصورت یک چالش داخلی برای ایران تبدیل شود، در آن صورت، نواحی مرزی ایران با افغانستان می‌تواند بصورت یک خطر یا تهدید جلوه‌گر شود. علاوه بر این مسأله مهاجرین افغانستان در ایران و تمرکز آنها در استانهای مرزی مزید بر علت شده است تا حتی در بعضی مناطق مثل زابل ترکیب جمعیتی به نفع افغانها تغییر کند.

۴- تروریسم: به دنبال شکست طالبان در افغانستان، این فرض وجود داشت که وضعیت کشور به حالت آرامش و ثبات سیاسی سوق پیدا خواهد کرد، اما حوادث بعدی نشان داد گروه طالبان و القاعده هنوز در افغانستان و حتی در پاکستان فعال هستند و زمینه‌های تروریسم در حال گسترش است. در سال‌های اخیر، حملات طالبان از نظر کمی و تعداد و کیفی و شدت تهاجم افزایش داشته است. نیروهای شبه نظامی طالبان، روش‌های تله انفجاری و یا بمب‌گذاری‌های انتحاری را شدت بخشیده‌اند. بر پایه گزارش ارائه شده به کنگره آمریکا در سال ۲۰۰۸، عملیات ضدناو از سوی طالبان گسترش بیشتری پیدا کرده است. بر پایه این گزارش، درصد اقدامات تروریستی علیه مردم افغانستان، ۳۰٪ و علیه قوای آمریکا، ۴۰٪ در مقایسه با سال ۲۰۰۷ افزایش داشته است (اعظمی، ۱۳۹۱: ۶). نقشه ۲. محل استقرار گروه‌های شورشی در افغانستان



منبع: بزرگمهری، ۱۳۸۹: ۵۰

۵- نیروهای خارجی در افغانستان: منطقه خاورمیانه و غرب آسیا به دلیل موقعیت جغرافیایی ویژه، منابع عظیم انرژی و ویژگی‌های ژئوپلیتیکی خاص خود همواره در کانون توجهات قدرت‌های بزرگ در دوران‌های مختلف بوده است. این قدرت‌ها همیشه در پی حضور و اعمال قدرت خود بر این منطقه و در نتیجه تأمین منافع پایدار خود بوده‌اند. معمولاً حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در یک منطقه زمینه ساز ناامنی خواهد بود. همکاری این قدرت‌ها با برخی از کشورهای منطقه و دشمنی با برخی دیگر زمینه تضاد و ناامنی را فراهم می‌سازد. آمریکا با حضور خود در منطقه، همواره زمینه‌های ناامنی و بی‌ثباتی منطقه‌ای را فراهم ساخته است (پور خسروانی، ۲۲۳). حضور آمریکا در افغانستان نه تنها به امنیت افغانستان و منطقه کمک نکرده، بلکه خشونت و ناامنی را در منطقه افزایش داده است (راستی، ۱۳۸۲: ۱۶۲). از منظر آمریکایی‌ها، حضور ناتو در افغانستان عملاً آزمونی برای این سازمان است تا توانایی‌های خود را در منطقه‌ای خارج از اروپا به محک گذاشته و نقاط ضعف و قوت خود را ارزیابی نماید. ادامه و نحوه حضور نیروهای آمریکایی در افغانستان در چارچوب توافق نامه امنیتی باید گفت که

ایران، از ابتدا از طرح‌های امنیت بومی و منطقه‌ای که فاقد پتانسیل تحریک خشونت در افغانستان باشند، حمایت کرده است. ایران معتقد است وجود پایگاه‌های نظامی متعدد امریکا و نیز حضور نیروهای نظامی ۱۰ تا ۱۵ هزار نفری این کشور در افغانستان تأثیرات منفی بر وضعیت امنیت و ثبات آینده این کشور و منطقه خواهد داشت. چراکه اولاً؛ شرط نخست طالبان برای مذاکره با دولت افغانستان و شروع فرآیند آشتی و مصالحه، که همانا خروج کامل نیروهای خارجی از جمله امریکا از کشور می‌باشد، عملاً زیرپا گذاشته خواهد شد و بنابراین طالبان را تا آینده نامعلوم به جنگ تشویق خواهد کرد. ثانیاً؛ امریکا با احداث پایگاه‌های خود و حضور قانونی نیروهایش، در کنار ایجاد بی‌ثباتی داخلی در افغانستان، شرایط منطقه‌ای را نیز به سمت ناامنی سوق خواهد داد.

۶- حقایق رودخانه هیرمند: یکی دیگر از اختلافات میان ایران و افغانستان که سابقه‌ای طولانی نیز دارد، اختلاف دو کشور درباره نحوه تقسیم آب رودخانه هیرمند است که از سال ۱۸۵۷ با یکدیگر درگیر هستند (خلیلی، ۱۳۹۲: ۴۲). این رودخانه که از کوه‌های در شمال غربی کابل سرچشمه می‌گیرد، هزار کیلومتر در افغانستان جریان دارد تا به ایران می‌رسد. رودخانه هیرمند برای کشاورزان افغانی و ایرانی اهمیت حیاتی دارد، زیرا مهمترین منبع آبی در این منطقه به شمار می‌رود. سرانجام پس از مذاکرات طولانی میان مقام‌های دو کشور، طرفین در سال ۱۹۳۹ برای تقسیم عادلانه رودخانه هیرمند به توافق رسیدند اما این توافقنامه نیز مشکلی حل نکرد. با روی کار آمدن دولت حامد کرزای و با استفاده از روابط گرم و صمیمی که بین دو کشور فراهم شده بود، بار دیگر مسئله تقسیم آب رودخانه هیرمند در مذاکرات طرفین مطرح شد. اما باز هم مشکلات به قوت خود باقی ماند. دولت افغانستان همواره از هیرمند به عنوان اهرم فشاری برای حل مسایل خود با ایران سود برده است. در واقع هیرمند ابزار افغان‌ها برای سودجویی از آن در مناسبات سیاسی - اقتصادی و حتی نظامی با ایران بوده است (اعظمی، ۱۳۹۱: ۸). از طرف دیگر، با توجه به تمامی مشکلاتی که ذکر شد ایران با افغانستان دارای مناسبات اقتصادی رو به پیشرفتی است. در حال حاضر و بر اساس بعضی آمارها، افغانستان نهمین شریک

تجاری ایران در صادرات و نود و یکمین شریک تجاری ایران در واردات به شمار می رود. سقف تجاری کنونی میان ایران و افغانستان نیز به حدود ۸۰۰ میلیون دلار در سال بالغ می شود. در واقع، ایران مهمترین تأمین کننده کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی افغانستان به شمار می رود. از طرف دیگر، ایران و افغانستان به خاطر حضور میلیون‌ها پناه جوی افغانی وضعیت خاصی دارند و در واقع به نظر می رسد حضور این پناه جویان که برای سال‌ها در ایران زندگی کرده اند، می تواند بسترهای فرهنگی و انسانی مناسبی را برای بسط همکاری‌های دو کشور در آینده فراهم کند. در زمینه طرح‌های عمرانی میان دو کشور نیز اکنون ایران و افغانستان تفاهم نامه احداث خط آهن خواف به هرات را به امضا رسانده اند که به ویژه برای افغانستان نقش حیاتی دارد و خود می تواند تحولی مهم در زمینه اقتصادی، تجاری و سرمایه گذاری افغانستان به حساب آید.

نتیجه گیری

طرح انتقال آب از تاجیکستان به کشورهای آسیای مرکزی (ازبکستان و ترکمنستان) دارای محدودیت‌هایی به شرح زیر است. محدودیتها و معایب انتقال آب از ترکمنستان بدین شرح است:

ترکمنستان بزرگترین مصرف کننده آب است، اگر روزی آب وارداتی از افغانستان و تاجیکستان به ترکمنستان به هر دلیلی قطع شود این کشور تبدیل به یک بیابان بزرگ خواهد شد.

ترکمنستان رود دائمی ندارد.

انتقال آب از کانال قره قوم به علت آلودگی های شدید شیمیایی، هزینه تصفیه آب به خصوص برای مصرف شرب را بالا می برد (زرقانی، ۱۳۹۲: ۸۲).

ازبکستان خود را به عنوان کشوری قدرتمند در منطقه میداند و دارای اختلافات بسیاری با کشورهای بالادست رودها به خصوص تاجیکستان است در صورت عبور خط انتقال آب از این کشور از هر عاملی برای امتیاز گرفتن از ایران و تاجیکستان بهره خواهد برد.

با توجه به رشد جمعیت بالا و نیاز به امنیت غذایی ازبکستان زمین‌های کشاورزی بیشتری را به زیر کشت خواهد برد با توجه به سیستم مدیریتی ناصحیح و سیستم‌های آبیاری قدیمی این کشور نیاز به آب بیشتری از بالادست خواهد داشت با توجه به عدم توافقنامه‌های قطعی میان این کشورها انتقال آب از تاجیکستان با نارضایتی و تنش این کشور با ایران و تاجیکستان همراه خواهد شد.

همچنین از دیدگاه صاحب نظران برخی از مهمترین معایب و محدودیت‌های انتقال آب از خارج کشور به ویژه انتقال از آمودریا به شرح زیر است:

تامین آب از طریق انتقال آن از کشور دیگر وابستگی به کشور مبدا را پدید می‌آورد که به نوعی موجب تبعیت از سیاست‌های کشور انتقال دهنده می‌گردد.

یکی از شاخص‌های اصلی آسیب‌پذیری در برابر کمبود آب در یک کشور، میزان وابستگی به جریانهای سطحی و ورودی از آن سوی مرزها می‌باشد.

آب را می‌توان تبدیل به اهرم فشار کرد و به منظور امتیازگیری از کشور وابسته به آن استفاده کرد. اقدامات کنترلی مانند ساخت سد، منحرف کردن رود، برداشت بیشتر از آب و ... با توجه به وابستگی کشور نیازمند، می‌تواند زمینه را برای امتیازگیری فراهم می‌آورد.

فرآیند انتقال آب فرآیند پیچیده‌ای است که مستلزم دخالت و درگیری وزارتخانه‌هایی همچون، وزارت امور خارجه، اقتصاد، کشور، اطلاعات است و همچنین سازمانهایی نظیر محیط زیست نیز، در این فرآیند تاثیر گذارند.

انتخاب مسیر علاوه بر اینکه یک امر فنی است، یک کار دیپلماتیک، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی - امنیتی و توسعه‌ای نیز محسوب می‌شود.

اثر گذاری رقباتی جمهوری اسلامی ایران (اسرائیل، آمریکا، روسیه، ترکیه و ...) در انتقال آب از کشورهای دیگر به جمهوری اسلامی ایران به ویژه منطقه شرق آن، باید به تاثیرگذاری کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز توجه شود.

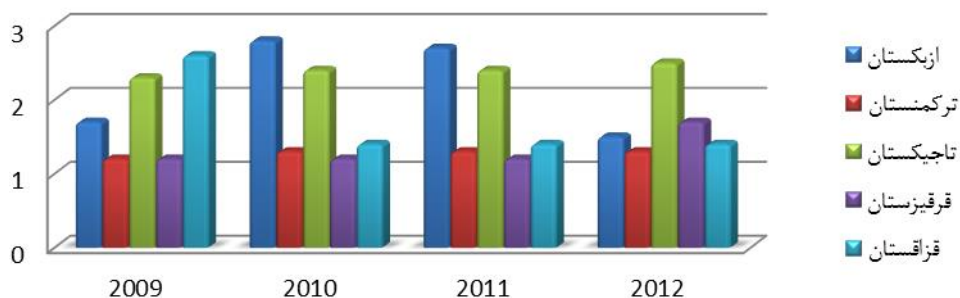
مهمترین رودخانه‌ای که به منظور انتقال آب به شرق ایران مطرح شده است رودخانه

آمودریاست. مسئله اینجاست که رودخانه آمودریا متعلق به یک کشور نیست. در واقع منشا این رودخانه افغانستان است و پس از تعیین مرز تاجیکستان و افغانستان وارد ترکمنستان می‌شود و در نهایت به دریاچه آرال می‌ریزد. در این فرآیند کشورهای افغانستان، ترکمنستان، قرقیزستان، تاجیکستان، قزاقستان و ازبکستان مستقیماً درگیرند. خشکسالی‌های قرن ۲۱ آسیای مرکزی و در نتیجه کاهش محصولات، بحران زیست محیطی که تقریباً با فقر گسترده و تنش‌های امنیتی همراه شده است منطقه را مستعد کشمکش‌های طولانی می‌کند.

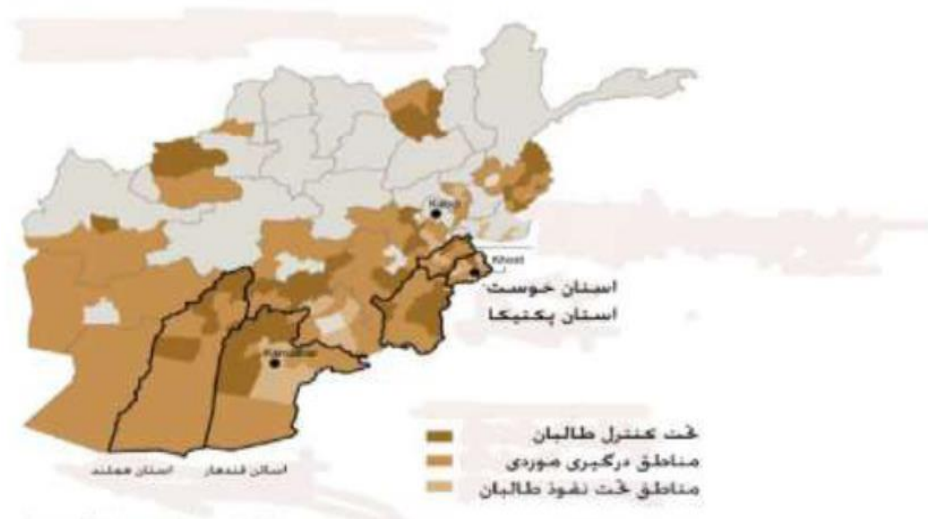
مسئله بسیار مهم درباره طرح‌های انتقال آب با توجه به توپوگرافی منطقه آسیای مرکزی که ترکیبی از کوهستانها، دره‌ها و بیابانهاست، نیازمند وجود تکنولوژی پیشرفته به منظور اجرای این طرح‌ها است.

باتوجه به روابط سردی که بین ایران و کشور ازبکستان وجود دارد که یکی از دلایل اصلی آن سوگیری‌های سیاسی و وابستگی ازبکستان به کشورهای غربی است که در تضاد با سیاست خارجی ایران محسوب طرح انتقال با عبور از این کشور با مشکل مواجه خواهد شد. از سوی دیگر عدم وجود توافقنامه‌های رسمی برای حل مسائل آبی بین تاجیکستان و ازبکستان، رشد جمعیت ازبکستان و ترکمنستان، نیاز به منابع آبی برای کشاورزی، تغییرات آب و هوایی و گسترش خشکسالی‌ها و نبود تسهیلات ترانزیتی در منطقه با مشکل مواجه خواهد شد.

نمودار ۱. رشد جمعیت شهری بین سالهای ۲۰۰۹-۲۰۱۲



نقشه (۳). وضعیت حضور نیروهای طالبان در استانهای افغانستان (۲۰۰۹)



در نهایت می‌توان بیان نمود با توجه به شرایط سیاسی و روابطی که بین کشورها با یکدیگر وجود دارد بهترین مسیر انتقال آب مسیر افغانستان می‌باشد. یادداشت تفاهمی میان ایران، افغانستان و تاجیکستان برای صادرات و ترانزیت آب امضا شده بود، و هم‌اکنون چندین نقطه از جمله رودخانه آمو دریا و وخش، برای تامین آشامیدنی مورد نیاز ایران در نظر گرفته شده و بحث واردات نفت از ایران مورد نظر مقامات دوشنبه قرار گرفته شده است، اما باید گفت یکی از مسایل مهم در بحث ساخت خطوط لوله‌های آب و نفت میان تاجیکستان و ایران، مسیر عبور این طرح‌های راهبردی به حساب می‌آید. چرا که تاجیکستان و ایران مرز مشترک ندارند و تنها راه ساخت مناسب و اقتصادی این ساختارهای زیربنایی، شمال افغانستان است. در این بین اوضاع نامناسب امنیتی افغانستان می‌تواند به عنوان عامل تاثیر گذار و چالش اساسی در اجرایی شدن طرح‌های بزرگ ارتباطی و آب و نفت میان ایران و کشورهای آسیای مرکزی محسوب شود. بر اساس نقشه شماره (۳) می‌توان بیان نمود که بیشترین حضور طالبان در استانهای جنوبی این

کشور می باشد و استانها شمالی که احتمال عبور خط لوله آب را دارا است از ضریب نفوذ کمتری برخوردارند البته نباید از این عامل غافل شد که شاید با عبور این خط لوله حضور طالبان برای گرفتن امتیاز ازدولت ایران در این مناطق نیز افزایش یابد. در عین حال هر چند شمال افغانستان از جمله استان غربی هرات و ولایات فاریاب، جوزجان، بلخ، سمنگان و قندوز که قرار است خطوط لوله های آب و انرژی از این مسیرها عبور نمایند، نسبتا آرام به نظر می رسد اما آینده ثبات در افغانستان و چگونگی تامین امنیت خطوط لوله آبی و نفتی می تواند چالشی مهم تلقی شود. در واقع یکی از امتیازات اقتصادی افغانستان موقعیت استراتژیک جغرافیایی آن و مسیر اتصال به آسیای میانه است. این کشور از یکسو به صادرکنندگان نفت مانند ایران، کشورهای آسیای میانه و حوزه خلیج فارس دسترسی داشته و از سوی دیگر با کشور تاجیکستان هم مرز است. در این بین افغانستان می تواند گزینه ای بسیار مناسب برای پیوند بین ایران و تاجیکستان باشد. چرا که این کشور از شمال با ازبکستان و تاجیکستان و از غرب با ایران هم مرز است. در عین حال هر چند مبادلات آبی و انرژی ایران و تاجیکستان مدت ها است مطرح شده و مقامات دو کشور بر آن تاکید کرده اند اما تا زمانی که اراده ی محکم سیاسی بین سه کشور ایران، افغانستان و تاجیکستان و همچنین انجام مذاکراتی اساسی برای چگونگی تامین اجرای خطوط لوله آب نفت راه آهن و ... به انجام نرسد سخن گفتن از همگرایی سه کشور فارسی زبان ایران و تاجیکستان و افغانستان و انجام این طرح ها تنها بر روی کاغذ خواهد ماند.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- احمدی پور. زهرا (۱۳۹۰). تحلیل عوامل ناامنی و مشکلات قومی در جنوب شرق ایران، تهران: مجموعه مقالات همایش امنیت-توسعه-جغرافیا در جنوب شرق ایران.
- احدی، افسانه (۱۳۸۵). فرصت‌های ایران در همکاری با کشورهای فارسی زبان، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی / گروه مطالعات استراتژیک.
- ابوالحسن شیرازی، حبیب اله (۱۳۸۴). توسعه ی مناسبات ایران و آسیای میانه ؛ ارای هی راهبردها، مجله جغرافیا و توسعه، بهار و تابستان ۱۳۸۴، صص ۱۴۰-۱۱۱.
- بزرگمهری، مجید (۱۳۸۹). حضور ناتو در افغانستان و چالش های پیش رو، فصلنامه مطالعات راهبردی، تابستان ۱۳۸۹، تهران.
- بدوخی، منوچهر. تاثیر تعاملات اقتصادی در توسعه روابط ایران و تاجیکستان، فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین الملل، صص ۱۱۱-۹۰.
- برقی، حمید، قنبری، یوسف (۲۰۱۰). بحران منابع آب، چالش اساسی جهان اسلام، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین المللی جغرافیدانان جهان اسلام، صص ۱۳-۱.
- بوستانی، آرمین، انصاری، حسین (۱۳۹۰). بررسی رویکرد مصرفی در مدیریت تقاضای آب شهری، فصلنامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، سال نهم، شماره ۳۳، پاییز ۱۳۹۰، صص ۵۲-۴۸.
- پورخسروانی، انیس. همکاری های ایران و پاکستان در عرصه امنیت انسانی: موانع و راهکارها، مجموعه مقاله های همایش بین المللی امنیت انسانی در غرب آسیا، صص ۲۲۶-۲۱۷.
- راستی، عمران، رحیمی، محمد (۱۳۸۲). امنیت و توسعه در غرب آسیا از منظر مدل محور-پیرامون (مطالعه موردی مناطق مرزی کشورهای ایران، افغانستان و پاکستان) بیرجند: مجموعه مقاله های همایش بین المللی امنیت انسانی در غرب آسیا.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، انتشارات آستان قدس رضوی.

- حافظ نیا محمدرضا، مجتهدزاده پیروز، علی زاده جعفر (۱۳۸۴). هیدروپلیتیک هیرمند و تأثیر آن بر روابط سیاسی ایران و افغانستان، فصلنامه مدرس علوم انسانی دوره ۱۰، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۵، صص ۵۶-۳۱.
- عیوضی، جمشید (۱۳۸۰). جغرافیای آبها. انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نهم.
- حلیان، امیرحسین، شبانکاری، محسن (۲۰۱۰). مدیریت منابع آب در ایران مطالعه موردی: چالشهای انتقال آب از بهشت آباد زاینده رود، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین المللی جغرافیدانان جهان اسلام، صص ۱۳-۱.
- حمیدی، محمدحسن (۱۳۸۳). بررسی وضعیت مرز ایران و افغانستان. تهران موسسه فرهنگی ابرار معاصر.
- جعفری، مهدیه (۱۳۹۱). تعاملات اقتصادی تاجیکستان و افغانستان؛ چستی و دورنما، کارشناس ارشد ارتباطات و عضو شورای نویسندگان ایراس.
- خلیلی، محسن، حیدری، جهانگیر، صیادی، هادی (۱۳۹۲). پیوندکد و ژنوم ژئوپلیتیک در سیاست خارجی مطالعه موردی: افغانستان و ایران، فصلنامه پژوهشهای روابط بین الملل، دوره نخست، شماره نهم، پاییز ۱۳۹۲، صص ۷۳-۳۷.
- زرقانی، هادی (۱۳۸۶). عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر نقش و کارکرد مرزهای با تأکید بر مرزهای ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره دو، تهران: انجمن ژئوپلیتیک ایران.
- زرقانی، سید هادی، محمدزاده، مهدی، نادى، معصومه، و رزدار، معصومه (۱۳۹۲). بررسی چالش های آبی استان خراسان جنوبی و نقش آن در امنیت، همایش ملی خراسان جنوبی نظم و امنیت، اردیبهشت ۱۳۹۲ دانشگاه بیرجند، صص ۸۳-۶۹.
- زیباکلام، صادق (۱۳۹۲). امنیت انرژی و سیاست درهای باز تاجیکستان: جایگاه ایران در روابط اقتصادی - تجاری تاجیکستان. مطالعات اوراسیای مرکزی، سال ششم، شماره ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۲، صص ۹۴-۷۵.
- سینایی، وحید (۱۳۹۰). فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره دوم.
- سینایی، وحید (۱۳۸۹). هیدروپلیتیک امنیت و توسعه ی همکاری های آبی در روابط ایران افغانستان و ترکمنستان، فصلنامه ی روابط خارجی، سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۰، صص ۱۸۵-۲۱۱.

- عطایی، فرهاد، عزیزی، حمیدرضا (۱۳۸۹). نقش عامل انرژی در روابط ایران و ترکمنستان، فصلنامه‌ی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۳، تابستان ۱۳۸۹، صص ۱۰۶-۷۷.
- غنجی، علی (۱۳۸۶) «ژئوپلیتیک مواد مخدر» جنوب غرب آسیا» تهران: انتشارات معاونت آموزش ناجا.
- قلی‌بغده، عظیم (۱۳۸۰). «تاثیر کانال قره قوم بر اکوسیستم کویر قره قوم»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۶.
- کریمی پور، یدالله . (۱۳۷۹). مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان . تهران : انتشارات جهاد دانشگاهی. تربیت معلم. تهران.
- کردوانی، پرویز (۱۳۸۱). منابع و مسائل آب در ایران، انتشارات سمت.
- کریمی، سید رضا (۱۳۹۲)، نمایندگی صدا و سیما در تاجیکستان.
- ملازهی، پیر محمد (۱۳۸۳)، «ثبات در افغانستان و نقش آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، کتاب آسیا (۳)، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- مسیعی، محمد (۱۳۷۸)، دیباچه‌ای بر منابع آب، اصفهان، اردکان اصفهان.
- محسنین، مهرداد (۱۳۷۵). نقش منطقه‌ای ایران در آینده آسیای مرکزی، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز. شماره.
- هرزیک، ادموند (۱۳۷۵). ایران و حوزه جنوبی شوروی سابق ترجمه کاملیا احتشامی، تهران، انتشارات دفتر مطالعات وزارت خارجه.
- مهکویی، حجت، جاجرمی، کاظم، پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۹۳). تهدیدات زیست محیطی در کشورهای منطقه‌ی ژئوپلیتیکی خلیج فارس با تاکید بر بحران منابع آب، فصلنامه‌ی برنامه ریزی منطقه‌ای، سال چهارم، شماره ۱۳، بهار ۱۳۹۳، صص ۱۴۳-۱۳۳.
- ولایتی، سعداله (۱۳۸۵). بررسی بحران آب استان خراسان، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ویژه‌ی جغرافیا، تابستان ۱۳۸۵، صص ۲۳۴-۲۱۳.

ب. منابع انگلیسی

- Sanat Kushkumbayev and Azina Kushkumbayeva (2013). “Water and Energy Issues in the Context of International and Political Disputes in Central Asia”
- Borisov Akbar (2012). Water tensions overflow in ex-Soviet Central Asia .<http://phys.org/news/2012-11-tensions-ex-soviet-central-asia.html>
- Karaev, Zainiddin (2005). Water Diplomacy in Central Asia .Middle East Review of International Affairs, Vol. 9, No. 1 (March, 2005)
- Shalpykova, Gulnara (2002) .Water Disputes in Central Asia: The Syr Darya River Basin. Urasa: International University of Japan (<http://www.ca-c.org/dataeng/00.shalpykova.shtml>).
- <http://www.fao.org>
- www.shafaqna.com
- for1997fao(1997) for1997 reports(3-7)for:2010(1)
- <http://vista.ir/article>
- www.econews.ir